



سه‌شنبه ۲۱
 ذی‌قعدة ۲
 آذرماه ۳۰ } ۱۳۵۰
 دسامبر ۲۱ } ۱۳۹۱
 ۱۹۷۱

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی - روز سه‌شنبه (۳۰) آذرماه ۱۳۵۰

فهرست مطالب

۲- تصویب صورت جلسه صبح یکشنبه ۲۸ آذرماه
 ۳- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای تاجبخش معاون وزارت امور خارجه .
 ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
 ۲- ادامه بحث در کلیات گزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور .

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالقاری ریاضی تشکیل گردید

یزدان‌پناه - خانم دکتر صنیع - دکتر حبیب بهبهانی - مهاجرانی .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
 رئیس- اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

غائبین مریض- آقایان :

(بشرح زیر خوانده شد)

اخوی - اسلامی‌نیا - خانم اقبال - بختیاری‌پور - دکتر پرتو اعظم - پرویزی - پسیان - خانم دکتر دولتشاهی سید کاظم مسعودی - دکتر مشایخی - مهندس نصر - دکتر یگانگی .

غائبین با اجازه- آقایان :

اخلاقی - مهندس احتشام شهیدی - عبدالحسین آموزگار - خانم آصف‌زاده - ایلخانی‌پور - مهندس بدیعی - غلامرضا بهادری - پیرزاد - توسلی - دکتر جزایری - حق‌شناس - دکتر خطیبی - دیهیم - ذوالفقاری - دکتر رشتی - رشیدی - دکتر هنوردی - خانم زاهدی - زرین‌پور - ساگینیان - خانم دکتر سرخوش - شاخوئی - دکتر شمس - شیخ بهائی - دکتر فضل‌الله صدر - صدقیانی زاده - طباطبائی دیبا - مهندس عطائی - دکتر عظیمی - فروتن - دکتر فروزین - فیصلی - مهندس قادرپناه - خانلر قراچورلو - دکتر کفائی - کلانتر هرمزی - کمالاتی - دکتر کیان - دکتر لقمان ادهم - مهندس قاسم معینی - دکتر موثقی - موقر - نارویی - دکتر گانگیک - دکتر

۲- ادامه بحث در کلیات گزارش یک شوری کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای دکتر بهزادی تشریف بیاورید .

دکتر بهزادی - با اجازه مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی و همکاران محترم، دنباله عرایضم را ادامه میدهم عرایضم را باز هم بر حسب عادت و بر حسب توجهی که ملت ایران بادیات خودش دارد و همیشه

استشهاد میکند بگفته گویندگان بزرگ ایران عرض میکنم فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد در جلسه گذشته، برای اینکه این گسیختگی که پیدا شده و آن مسئله حضور که در جلسه گذشته بود بجائی برسد و صورت واقعی پیدا کند، عرض کردم مسائل مملکتی و لوايح و تمام پدیده‌ها و مشکلات را بایستی بکمک ضوابط و معیارهای انقلاب ایران بررسی کرد و باز عرض کرده بودم که هدف انقلاب ایران توزیع عادلانه امکانات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در سراسر مملکت است و اینجا جمله دیگری اضافه میکنم اگر این توزیع امکانات که هدف انقلاب ایران برای ملت ایران است در تمام دنیا البته آرزو مندیم عملی بشود و امکانات اجتماعی و اقتصادی در اختیار مردم جهان قرار بگیرد مسلماً جنگهای خانمانسوز و مشکلات عظیمی که در دنیا وجود دارد از بین خواهد رفت، در جلسه گذشته مطلبی را عرض کرده بودم تکرار میکنم و دوباره گوئی میکنم و برای آن تفسیری قائل هستم در جلسه گذشته عرض کردم اگر دولت ایران، دولت خدمتگزار هویدا بک مسئله از هزاران مسائل مملکتی را معطل بگذارد دیگر هرگز مورد عنایت و وثوق شاهنشاه قرار نخواهد گرفت اضافه میکنم و برای اینکه در صورت جلسه مجلس شورای ملی ایران نوشته بشود تمام آن کارهایی که در مملکت ما انجام شده است آن قسمتی بوده است که فرامین شاهنشاه بدرستی انجام شده است (آفرین) و آن نارسائی و کمبودها و عدم هم آهنگیها که در پیشرفت اصول انقلابی ایران مشاهده میشود صرفاً مسئولیتش متوجه دولت است (آفرین، احسنت) یادداشت بسیار کوتاه و پر معنی در همان روز برای من فرستاده شده است از طرف آقای سعید وزیرری که بقدری زیباست و بقدری ظریف است که بنده در همین رهگذر این یادداشت را بعرض میرسانم نوشته اند و تو بگو که در هر حال شاهنشاه قصور در وظایف را مورد مؤاخذه قرار میدهند و همواره برای رفاه مردم اوامر صادر میفرمایند (صحیح است) باز هم برای توجه فوآکسیون محترم حزب مردم عرض می کنم نخواستم از این رهگذر

و بیان انتقادی که اقلیت در مجلس میفرمایند برای آن سد عبارتی قائل بشوم انتقاد اقلیت می گویند باید سازنده باشد سازندگی وقتی صورت عمل پیدا می کند که يك نظام فکری و نظام حزبی در کار باشد امیدوارم آن نظام فکری و حزبی باشد و بهتر بشود تا انعکاس آن یعنی انتقادها را ما بتوانیم بررسی کنیم اینجا مسئله انقلاب اداری مطرح شد و در خارج هم این موضوع را بصورت خام و انتزاعی و يك جنبه مورد بررسی قرار میدهند بنده افتخار داشتم که در کنگره دوم حزب ایران نوین در مسئله انقلاب اداری به نحوی که هنوز از طرف اقلیت نشنیده ام بحث کرده باشم بطور خلاصه عرض می کنم انقلاب اداری باین معنی است که دستگاه اجرایی آمادگی برای پیشبرد مقاصد و هدفهای انقلابی داشته باشد مسئله ای که مربوط بدولت است مسئله توجه به مدیریت است آقای جوانشیر تشریف ندارند در مورد مدیریت مسئله جانبی باید بعرض برسد غیر از مهارت های مدیریت مدیر باید با خلق و خو و آداب و عواطف مردم ارتباط داشته باشد طبق يك اصل کلی آنها که به فلسفه انقلابی خیلی نزدیک نیستند شاید بازده کار آنها رضایت بخش نباشد بعنوان مثال بعرض میرسانم اگر رئیس کارخانه قند صرفاً تخصص در اداره کارخانه از نظر فنی داشته باشد کافی نیست رئیس کارخانه قند بایستی يك ارتباط معنوی و عاطفی و اجتماعی با کارگران و کارمندان خودش داشته باشد و مسلماً بازده آن کارخانه آنوقت بیشتر خواهد شد دستور العمل هائی هست برای جلوگیری از روبرو کراسی و قرطاس بازی مربوط به انقلاب اداری که دولت خدمتگزار در این راه اقدامات مؤثری فرموده اند اما انتخاب ارجح آقای شیخ رضائی، یعنی مدیریت مملکت از خیلی بالاتر از خیلی پائین مردمان مؤمن متقی پرهیز کار و مؤمن بانقلاب، نه اشخاص نك رو برای اداره مملکت انتخاب بکنند برای این کار در صحبت های مختلف و پراکنده ای که دوستان اقلیت فرمودند بلافاصله به مسئله روابط و ضوابط (حکمت یزدی - این لفظ پراکنده گوئی را استعمال نکنید مفهوم بسیاری دارد) پراکنده از این نظر است که به عقیده من ناطقین بسیار مبرز و فهمیده حزب مردم مسائل بسیار متفرق و

متناقضی اینجا فرمودند (حکمت یزدی - متناقض نبود) باری ما وقتی اینجا نشسته ایم از لحاظ تعداد خوشبختانه زیاد هستیم و از لحاظ افراد و مهارت و تخصص هم کمتر از دوستان اقلیت نیستیم مطالب شما را گوش می کنیم و دمکراسی را هم رعایت می کنیم بنده از شما خواهش می کنم شما هم این مسئله را رعایت بفرمایند بخصوص که شنیدم يك قاضی مبرز و عادل بوده اید (بکنفر از نمایندگان - حالا هم هستند) حالا که نماینده هستید، در مسئله انقلاب اداری دو کلمه معمول شده است روابط و ضوابط بلافاصله گفته میشود روابط حاکم است و ضوابط حاکم نیست بنده البته نظر خودم را عرض میکنم و بعرض میرسانم که آیا شما منکر روابطی می توانید باشید روابط يك مسئله عاطفی است يك مسئله انسانی است شما مسلماً برادران را بر من ترجیح میدید شما مسلماً در مقابل دوستانان همینطور که دفاع فرمودید بیشتر اغماض دارید بطور مطلق منکر روابط نباشید اما ضوابط یعنی پیدا کردن معیار و مقیاسهائی که ما بتوانیم انتخاب کنیم و حزب ما بتواند باین مسئله برسد و بعداً در دستگاه اجرایی عمل بشود بنده در کلیت موضوع بعرض میرسانم که این رعایت ضوابط هم در حزب ما معمول است و هم در دولت حزبی ما معمول است (صحیح است - آفرین) اما انقلاب اداری دو طرف دارد یکی دولت یکی مردم و مراجعه کننده، انقلاب اداری از بسیاری جهات با اخلاق اجتماعی ارتباط دارد ملتی که سالها وارث يك جریان نامطلوب بوده است و متأسفانه نامقداری در خلق و خوی او اثر گذاشته است زمان می خواهد تا این اخلاق به جهت انقلابی توجیه بشود (صحیح است) مسئله انقلاب اداری ساختن يك کارخانه و سد نیست که اگر مامتخصص و پول داشته باشیم آنرا فوراً بسازیم آقای شیخ رضائی بنده را نگاه نکنید بنده جواب شما را در کلیات عرض می کنم (شیخ رضائی - پس میفرمائید شما را نگاه نکنم نگاه نکنم تذکر میدهند نگاه هم بکنم تذکر میدهند) اما سهم مردم جناب آقای فضائلی تشریف ندارند عرض کردم در عرایض روز گذشته ام که عناصر ضد انقلابی خوشبختانه از روستاها طرد شدند ولی متأسفانه در شهرها سنگر گرفته اند اینها همان متنفذها

و متولی های گذشته هستند که در دستگاه اجرایی اعمال نفوذ می کنند و تأسف بیشتر است که گاهی در پناه ایمنی اجزای سیاسی قرار می گیرند شما و ما اگر بر حسب تعصب احترام نگذاریم اشخاص زیاده طلب و خودخواه و متنفذ و متولی را که هنوز منافع آنها مسائل و کیفیت اجتماعی قبل از انقلاب گره خورده است و اگر آنها را در تشکیلات خودمان و خودتان دخالت ندهیم مسلماً کمک به انقلاب اداری کرده ایم مأمور دولت البته حالا کمتر ناگزیر است نرمشهایی نسبت باین متولیان دست پرورده بعضی افراد سیاسی بدهد توجه بفرمائید وقتی می گوئید انقلاب اداری در مملکت انجام نشده است مسئله ایست که مایه پویه درستی ندارد ولی اگر بگوئید آهنگ انقلاب اداری مثل آهنگ سایر اصول انقلاب پیشرفت ندارد قبول میکنم و دلایلش را هم عرض کردم و کمک شما و همه مردم ایران بخصوص کمک احزاب سیاسی در این مورد مؤثر است. در مورد وزارت آموزش و پرورش مطلبی اینجا عنوان شده است و هم مسلک محترم ما آقای صدری کیوان با آمار و ارقام جوابهایی دادند بنده بآن قسمت از بیانات همکار محترم و شریف آقای شیخ رضائی توجه دارم که فرمودند آموزش و پرورش تنها وزارت آموزش نیست بلکه آموزش و پرورش است و بلافاصله پرورش را بمعنی ورزش گرفتند پرورش تنها سالم سازی تن نیست پرورش سالم سازی اندیشه است تربیت انسانهای انقلابی است (احسنت) برای اینکه آینده مملکت را تأمین بکنند و این جوانهای مملکت هستند که باید آینده مملکت را تأمین کنند (آفرین) تنها این وظیفه وزارت آموزش و پرورش نیست. وظیفه دیگری احزاب سیاسی دارند تا آن حدی که در اختیار و قدرت داریم این اندیشه سازی و این راهنمایی جوانان را بسوی مبانی انقلابی و درك مبانی انقلابی انجام بدهیم و زحمت بکشیم. بنده حق سؤال ندارم اما از شما می پرسم آیا شما هم این کار را می کنید؟ و اگر میکیند بیشتر بفرمائید چون به پرورش جوانان مملکت کمک کرده اید دوست عزیزم تشریف ندارند در باره معاملات زمین و فرار سرمایه از ایران صحبت کردند فرمودند و یا اینکه این پولها ممکن است بطرف نزول خواری توجه پیدا بکند يك مسئله ساده

استشهاد میکند بگفته گویندگان بزرگوار ایران عرض میکنم فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد در جلسه گذشته، برای اینکه این گسیختگی که پیدا شده و آن مسئله حضور که در جلسه گذشته بود بجائی برسد و صورت واقعی پیدا کند، عرض کردم مسائل مملکتی و لویج و تمام پدیده‌ها و مشکلات را بایستی بکمک ضوابط و معیارهای انقلاب ایران بررسی کرد و بپای عرض کرده بودم که هدف انقلاب ایران توزیع عادلانه امکانات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در سراسر مملکت است و اینجا جمله دیگری اضافه میکنم اگر این توزیع امکانات که هدف انقلاب ایران برای ملت ایران است در تمام دنیا البته آرزو مندیم عملی بشود و امکانات اجتماعی و اقتصادی در اختیار مردم جهان قرار بگیرد مسلماً جنگهای خانمانسوز و مشکلات عظیمی که در دنیا وجود دارد از بین خواهد رفت، در جلسه گذشته مطلبی را عرض کرده بودم تکرار میکنم و دوباره گوئی میکنم و برای آن تفسیری قائل هستم در جلسه گذشته عرض کردم اگر دولت ایران، دولت خدمتگزار هویدا يك مسئله از هزاران مسائل مملکتی را معطل بگذارد دیگر هرگز مورد عنایت و وثوق شاهنشاه قرار نخواهد گرفت اضافه میکنم و برای اینکه در صورت جلسه مجلس شورای ملی ایران نوشته بشود تمام آن کارهایی که در مملکت ما انجام شده است آن قسمتی بوده است که فرامین شاهنشاه بدرستی انجام شده است (آفرین) و آن نارسائی و کمبودها و عدم هم آهنگیها که در پیشرفت اصول انقلابی ایران مشاهده میشود صرفاً مسئولیتش متوجه دولت است (آفرین، احسنت) یادداشت بسیار کوتاه و پر معنی در همان روز برای من فرستاده شده است از طرف آقای سعید وزیری که بقدری زیباست و بقدری ظریف است که بنده در همین رهگذر این یادداشت را بعرض میرسانم نوشته اند و تو بگو که در هر حال شاهنشاه قصور در وظایف را مورد مؤاخذه قرار میدهند و همواره برای رفاه مردم اوامر صادر میفرمایند (صحیح است) باز هم برای توجه فراقسیون محترم حزب مردم عرض می‌کنم نخواستم از این رهگذر

و بیان انتقادی که اقلیت در مجلس میفرمایند برای آن سد عبارتی قائل بشوم انتقاد اقلیت می‌گویند باید سازنده باشد سازندگی وقتی صورت عمل پیدا می‌کند که يك نظام فکری و نظام حزبی در کار باشد امیدوارم آن نظام فکری و حزبی باشد و بهتر بشود تا انعکاس آن یعنی انتقادهارا ما بتوانیم بررسی کنیم اینجا مسئله انقلاب اداری مطرح شد و در خارج هم این موضوع را بصورت خام و انتزاعی و يك جنبه مورد بررسی قرار میدهند بنده افتخار داشتم که در کنگره دوم حزب ایران نوین در مسئله انقلاب اداری به نحوی که هنوز از طرف اقلیت نشنیده‌ام بحث کرده باشم بطور خلاصه عرض می‌کنم انقلاب اداری باین معنی است که دستگاه اجرایی آمادگی برای پیشبرد مقاصد و هدفهای انقلابی داشته باشد مسئله‌ای که مربوط بدولت است مسئله توجه به مدیریت است آقای جوانشیر تشریف ندارند در مورد مدیریت مسئله جانبی باید بعرض برسد غیر از مهارت‌های مدیریت مدیر باید با خلق و خو و آداب و عواطف مردم ارتباط داشته باشد طبق يك اصل کلی آنها که به فلسفه انقلابی خیلی نزدیک نیستند شاید بازده کار آنها رضایت بخش نباشد بعنوان مثال بعرض میرسانم اگر رئیس کارخانه قند صرفاً تخصص در اداره کارخانه از نظر فنی داشته باشد کافی نیست رئیس کارخانه قند بایستی يك ارتباط معنوی و عاطفی و اجتماعی با کارگران و کارمندان خودش داشته باشد و مسلماً بازده آن کارخانه آنوقت بیشتر خواهد شد دستورالعمل‌هایی هست برای جلوگیری از بورکراسی و قرطاس بازی مربوط به انقلاب اداری که دولت خدمتگزار در این راه اقدامات مؤثری فرموده اند اما انتخاب ارجح آقای شیخ رضائی، یعنی مدیریت مملکت از خیلی بالاتر از خیلی پائین مردمان مؤمن متقی پرهیز کار و مؤمن بانقلاب، نه اشخاص نك روبرای اداره مملکت انتخاب بکنند برای این کار در صحبت‌های مختلف و پراکنده‌ای که دوستان اقلیت فرمودند بلافاصله به مسئله روابط و ضوابط (حکمت یزدی - این لفظ پراکنده گوئی را استعمال نکنید مفهوم بسیار بدی دارد) پراکنده از این نظر است که به عقیده من ناطقین بسیلو مبرز و فهمیده حزب مردم مسائل بسیار متفرق و

متناقضی اینجا فرمودند (حکمت یزدی - متناقض نبود) باری ما وقتی اینجا نشسته ایم از لحاظ تعداد خوشبختانه زیاد هستیم و از لحاظ افراد و مهارت و تخصص هم کمتر از دوستان اقلیت نیستیم مطالب شما را گوش می‌کنیم و دمکراسی راهم رعایت می‌کنیم بنده از شما خواهش می‌کنم شما هم این مسئله را رعایت فرمایند بخصوص که شنیدم يك قاضی مبرز و عادل بوده‌اید (یک نفر از نمایندگان - حالا هم هستند) حالا که نماینده هستند، در مسئله انقلاب اداری دو کلمه معمول شده است روابط و ضوابط بلافاصله گفته میشود روابط حاکم است و ضوابط حاکم نیست بنده البته نظر خودم را عرض میکنم و بعرض میرسانم که آیا شما منکر روابطی می‌توانید باشید روابط يك مسئله عاطفی است يك مسئله انسانی است شما مسلماً برادران را بر من ترجیح میدهند شما مسلماً در مقابل دوستانان همینطور که دفاع فرمودید بیشتر اغماض دارید بطور مطلق منکر روابط نباشید اما ضوابط یعنی پیدا کردن معیار و مقیاسهایی که ما بتوانیم انتخاب کنیم و حزب ما بتواند باین مسئله برسد و بعداً در دستگاه اجرایی عمل بشود بنده در کلیت موضوع بعرض میرسانم که این رعایت ضوابط هم در حزب ما معمول است و هم در دولت حزبی ما معمول است (صحیح است - آفرین) اما انقلاب اداری دو طرف دارد یکی دولت یکی مردم و مراجعه کنند، انقلاب اداری از بسیاری جهات با اخلاق اجتماعی ارتباط دارد ملتی که سالها وارث يك جریان نامطلوب بوده است و متأسفانه تا مقداری در خلق و خوی او اثر گذاشته است زمان می‌خواهد تا این اخلاق به جهت انقلابی توجیه بشود (صحیح است) مسئله انقلاب اداری ساختن يك کارخانه و سد نیست که اگر ما متخصص و پول داشته باشیم آنرا فوراً بسازیم آقای شیخ رضائی بنده را نگاه نکنید بنده جواب شما را در کلیات عرض می‌کنم (شیخ رضائی - پس میفرمائید شما را نگاه نکنم نگاه نکنم تذکر میدهند نگاه هم بکنم تذکر میدهند) اما سهم مردم جناب آقای فضائی تشریف ندارند عرض کردم در عرایض روز گذشته‌ام که عناصر ضد انقلابی خوشبختانه از روستاها طرد شدند ولی متأسفانه در شهرها سنگر گرفته‌اند اینها همان متنفذها

و متولی‌های گذشته هستند که در دستگاه اجرایی اعمال نفوذ می‌کنند و تأسیف بیشتر است که گاهی در پناه ایمنی احزاب سیاسی قرار می‌گیرند شما و ما اگر بر حسب تعصب احترام نگذاریم اشخاص زیاد طلب و خودخواه و متنفذ و متولی‌ها که هنوز منافع آنها مسائل و کیفیت اجتماعی قبل از انقلاب گره خورده است و اگر آنها را در تشکیلات خودمان و خودتان دخالت ندهیم مسلماً کمک به انقلاب اداری کرده‌ایم مأمور دولت البته حالا کمتر ناگزیر است نرمشهایی نسبت باین متولیان دست پرورده بعضی افراد سیاسی بدهد توجه فرمائید وقتی می‌گوئید انقلاب اداری در مملکت انجام نشده است مسئله ایست که مایه و پایه درستی ندارد ولی اگر بگوئید آهنگ انقلاب اداری مثل آهنگ سایر اصول انقلاب پیشرفت ندارد قبول میکنیم و دلایلش را هم عرض کردم و کمک شما و همه مردم ایران بخصوص کمک احزاب سیاسی در این مورد مؤثر است، در مورد وزارت آموزش و پرورش مطلبی اینجا عنوان شده است و هم مسلک محترم ما آقای صدری کیوان با آمار و ارقام جوابهایی دادند بنده بآن قسمت از بیانات همکار محترم و شریف آقای شیخ رضائی توجه دارم که فرمودند آموزش و پرورش تنها وزارت آموزش نیست بلکه آموزش و پرورش است و بلافاصله پرورش را بمعنی ورزش گرفتند پرورش تنها سالم‌سازی تن نیست پرورش سالم‌سازی اندیشه است تربیت انسانهای انقلابی است (احسنت) برای اینکه آینده مملکت را تأمین بکنند و این جوانهای مملکت هستند که باید آینده مملکت را تأمین کنند (آفرین) تنها این وظیفه وزارت آموزش و پرورش نیست، وظیفه دیگری احزاب سیاسی دارند تا آن حدی که در اختیار و قدرت داریم این اندیشه‌سازی و این راهنمایی جوانان را بسوی مبانی انقلابی و درک مبانی انقلابی انجام بدهیم و زحمت بکشیم. بنده حق سؤال ندارم اما از شما می‌پرسم آیا شما هم این کار را می‌کنید؟ و اگر میکنید بیشتر بفرمائید چون به پرورش جوانان مملکت کمک کرده‌اید دوست عزیزم تشریف ندارند درباره معاملات زمین و فرار سرمایه از ایران صحبت کردند فرمودند و یا اینکه این پولها می‌کن است بطرف نزول خواری توجه پیدا بکنند يك مسئله ساده

وبك واقعه بزرگ و عظیم که در جنوب مملکت در استان زرخیز خوزستان در حضور شاهنشاه بزرگ انجام گرفته است آنرا مثال میزان ۲۵۰ میلیون تومان بلکه بیشتر برای آن مؤسسه خصوصی صرف شده است کجای سرمایه ایران در شرایط انقلابی امروز ایران بیرون می رود هر چند ایشان تشریف ندارند برای اینکه به هر صورت در صورت جلسه مجلس ثبت شود عرض میکنم وزارت اقتصاد در هفت ماهه اول سال ۱۳۵۰ یکصد و بیست و شش پروانه برای تأسیس ۱۲۰ واحد صنعتی صادر کرده است. (فرهادپور - چرا ۱۲۶ پروانه برای ۱۲۰ واحد؟)

یعنی این سرمایه هاست که برای این مملکت از طرف بخش خصوصی گذاشته میشود در این واحدها بیش از ۲۵ میلیون تومان از طرف بخش خصوصی سرمایه گذاری شده و حدود سه هزار نفر مشغول کار خواهند شد اینها دلائل و آمار است که بر خلق و خوی نزول خواران و خاق و خوی زمین بازان و بورس بازان حاکمیت پیدا کرده و در ابتدا با بنجا رسیده ممکن است اعتراض بفرمائید و پیش خودتان بگوئید که این مبلغی نبوده باید گفت این مقدمه کار است یکی از ناطقین محترم اقلیت روابط عمومی وزارتخانه ها حمله کردند و این موضوع را ارتباط به مطبوعات دادند باید با اطلاع برسانم که مطبوعات در مملکت ما محترم و پر ارج است و تعداد زیادی از مطبوعات در جهت فعالیت های انقلابی یا حزب ایران نوین همکاری میکنند و بهیچوجه مسئله ای نیست که دولت متوجه بتحصیل موفقیت و یافتن موضع مخصوص خودش در مشروطیت توجه نداشته باشد (نامور - رقابت میکند دولت با مطبوعات، این مسئله مطرح است) اینجای مطبوعات هستند نمایندگان جرایده هستند و عریض بنده را گوش میدهند و بعد در روزنامه های خودشان اظهار نظر میکنند اما وزارت بهداشتی و نظام هست نظام درمانی و نظام پیشگیری، بررسی این نظام ها را بایستی یک نظام در جهت فکری انجام داد وزارت بهداشتی در جهت مملکت، نمایانم آن نماینده محترم که نسبت بوزارت بهداشتی بیاناتی فرمودند تشریف دارند یانه، آیا مبارزه با آبله در سراسر

ایران که متأسفانه در ممالک همجوار مانظا برش وجود دارد و سبب هاست تلفاتش بالاست عمل کوچکی بود؟ آیا قسمتی، بخشی، شهرستانی معطل مانده در اینجا پرسیدند مبارزه با بیماری های واگیر، مبارزه با آلتور مبارزه ای که متخصصین بهداشت جهانی در ایران آمدند و بر آن صحه گذاشتند و از بعضی تاکتیک ها استفاده کردند عمل کوچکی بود؟ (دکتر رئیس - نه صحیح بود، نه کافی بود) اما بنده خوشحالم که فرمودید لازم بود نه کافی و خوشحالم که شما با تمام تعصب یک مقداری از این فعالیت ها را قبول دارید اما مسئله درمانی مقرر شده است بیمارستانهای مملکت همه دانشگاه و به جمعیت شیر و خورشید سرخ داده شود چه اشکالی در این کار هست و چه عیبی می بینید شما تمام مسائل مملکتی را از لحاظ بهداشتی برای یک شهر و یک شهرستان خلاصه می کنید و با عینک بدبینی نگاه می کنید که الآن جواب همین صحبت شمارا بحضور شما و در ساحت مقدس مجلس شورای ملی عرض می کنم مسئله جراح کازرون، آقای دکتر حقیقت کیش رئیس بهداشتی که ضمناً جراحی را انجام میداده است برای اینکه معلومات خودش را تکمیل کند (بکنفر از نمایندگان - در چه رشته ای؟) برای اینکه اطلاعات بیشتری به آن اضافه بشود از آنجا به تهران آمد و انتظار نداشته باشید طبیب اگر یک جانی رفته است باید برای همیشه در آن جاباقی بماند و از امکانات مملکتی یعنی دیدن تخصص استفاده نکند (شیخ رضائی - کسی اعتراضی به طبیب نداشت) برای اینکه این کمبود جبران بشود از مرکز بهداشتی فارس دو نفر جراح به نوبت یکی آقای دکتر عطاران و دیگری آقای دکتر نعمت اللهی، ما موریت پیدا کردند که کارهای ساده جراحی آنجا را انجام دهند و بنده چون طبیب هستم و طبیب عالی قدری آنجا روبروی من هست بایک جراح آنهم اگر ورزیده باشد که نمیشود تمام اعمال جراحی انجام بشود در شرایط فعلی مملکت در مورد کمبود متخصص ناگزیر اینها را برای فرا گرفتن اعمال دیگر باید مراکز تخصصی منتقل بکنند بنده برای اینکه در این مورد آمار ارائه داده باشم عرض میکنم

که تعداد کل تختخواب البته تداعی شده است همین الان که خدمت آقای موسوی عرض میکنم تعداد تختخواب در سال (۴۵) ۲۶۹۲ تا بوده در سال (۵۰) ۳۷۵۱۷ تختخواب برای پذیرائی بیماران در مملکت ما احداث شده است (بکنفر از نمایندگان - بنظر شما کافی است آقای دکتر؟) مسلماً این تعداد تختخواب روی ضوابط دنیایی کافی نیست و برای اینکه با آن مراحل برسیم بایستی امکانات اولویت ها و عایدات و درآمد مملکت را توجه کنیم یک روزی ما در مرخصخانه مان چون طبیب هستم بعرض میرسانم بین طبیب متخصص و بیمار فقط با جی هنا دخالت داشتند مسأله پرستاری در مملکت مانبوده است ما وسیله تربیت نرس نداشتیم در حال حاضر از لحاظ کارائی و فنی سطح بیمارستانهای مملکت ما بالا رفته شما آن قسمت هائی که عمل شده است تأیید بفرمائید بعد راجع بکمبودها بیائید صحبت کنید مسلماً اینطور در پیشبرد کارها مؤثر تر است (موسوی امین - آنجائیکه نشده آنرا تعقیب میکنند) تعقیب بفرمائید نماینده آزاد است هر حرفی هم که دلش میخواهد بزند مرکز بهداشت در سال (۱۳۴۵) ۶۳۲۴ تا بوده در سال (۱۳۵۰) ۷۸۷۴ تا اگر شما انتظار دارید اینجا ارقام نجومی عرضه شود و مرکز بهداشت که در درجه اول، احتیاج به نیروی انسانی دارد بلافاصله به اعداد بالاتری برسد در هیچ جای دنیا ممکن نیست اما واحد سپاه بهداشت در سال (۱۳۴۵) ۳۲۱ گروه بوده و در سال ۱۳۵۰ به ۳۹۷ گروه ترقی پیدا کرده پزشکائی که در استخدام دولت هستند پزشک عمومی در حدود ۹۰۰۰ نفر که ۸۰ درصد از آنها در استخدام دولت هستند دندان پزشک ۱۶۰۰ نفر، ۱۵۰۰ نفر پرستار به ۳۰۰۰ نفر رسیده است و بسیاری آمار دیگر که بیشتر در باره آن صحبت نمیکنم اینجا صحبت شده است که مردم ایران که چه در داخل و چه در خارج مملکت بجز معدودی گمراه، وطنپرست هستند مملکت دوستند و خدمتگزار شاه و مردم هستند تصور میکنم در این مسأله همه متفق العقیده باشیم اما یکی از وکلای محترم اقلیت فرمودند که در راه تفهیم انقلاب ایران فعالیت کافی نشده است (نامور - بله فعالیت شده است) باید بعرض برسانم که یکی از وظایف

احزاب سیاسی یکی از بزرگترین وظایف احزاب سیاسی غیر از کارهای دولتی غیر از روابط جمعی غیر از رادیو و تلویزیون همین تفهیم اصول انقلاب است شما که مدعی داشتن حزب هستید و حتماً هم دارید فکر نکردید که این تفهیم اصول انقلاب ایران جزو وظایف شماها هم هست (صحیح است) همین کاری است که دیگران انجام میدهند آقای فضائی موضوع تفهیم اصول انقلابی شمارا اقل در شهرستان خود دیدم و ناظر بودم بشما خیلی احترام میگذارم و شما از فرزندان بسیار محبوب بابل هستید (فضائی - خیلی متشکرم) اجازه میدهید زیاد تر جلو بروم بنده وظایف احزاب را عرض کردم در تفهیم وظایف انقلابی چون وقتی خود آدم یا خود آن جبهه در مسأله ای وظیفه دار باشند وظیفه اش را درست انجام بدهند شاید ایراد کمتری بتواند داشته باشد اما شما این انتشارات، تمام این گفتگوها و این نوشته هائی که بزبان های مختلف تهیه شده و در دنیا در دوره جشن های بیست و پنج سده بنیانگذاری شاهنشاهی بخش شده انکار میکنید؟ برای تمام رادیو های دنیا مطلب تهیه شده است بزبان آن ملت و مملکت تابیان بشود (بکنفر از نمایندگان - بدولت چه مربوط است؟) آنچه را که شده است البته بفرمان شاهنشاه آریامهر انجام شده است ما خدمات مردم و دستگاهها را بصورت انتزاعی فکر نمی کنیم دستگاههای مختلفی در مملکت هستند که برای پیش برد انقلاب دارند کار می کنند برای ماسعزیز و گرامی هستند این چه مسأله بیهوده ایست که گفته میشود یک روزی در اینجا گفتید بلی آن کارهایی که در شهرستانها شده است در اعماق روستاها شده است سپاه بهداشت کرده، آقا سپاه بهداشت برای این درست شده است چون کمبودی در نظام درمانی و بهداشتی ایران بوده است آنطرح بزرگ انقلاب مسأله بهداشت را وسپاه بهداشت را ابداع فرمودند و اجرا شده است اینقدر انتزاعی و جزمی اندیشه نفرمائید موضوع دیگر موضوع ایسم هائی که بخصوص در اروپا وجود دارد و همکار محترم بنده آقای دکتر دادفر همیشه در این مورد تکیه دارند که رهبر خریدند ما و دولت خدمتگزار شاه و مردم توجهی باین مکاتیب ایسم دار ندارند. بدبھی

است ما از پیشرفتهای تکنیکی و فلسفی و اندیشه‌هایی که برای ما و مملکت ما مفید و موثری باشد میگیریم و با خلیفات و روحیات و آداب کشور خودمان تطبیق میدهیم و از آن نتیجه می‌گیریم و تعصبی در این مورد نداریم اگر دو سال تا سه سال گذشت چند سال گذشت در آن تجدید نظر میکنیم چنانچه شاهنشاه فرمودند بعضی از اصول انقلاب احتمال دارد در آن تغییری داده بشود مگر آنهایی که اساس و روح و انگیزه انقلاب اجتماعی ایران هستند اما عرض من از طرح این مسئله در ساحت مقدس مجلس شورای ملی این بوده است که این اسم هادردنیا بورشکستگی رسیده است اینها در مکتب‌های خودشان موقفت‌هایی نداشته‌اند دو اسم مشابه در دنیا روبروی هم سنگربندی کرده‌اند و بسیاری از این مسائل ما بنا بر این علاوه بر اینکه ما بشکر ایرانی و روح ایرانی اعتقاد داریم و علاوه بر اینکه از پیشرفت‌های فلسفی و تکنیکی دنیا استفاده میکنیم زیاد نتیجه خوب و درستی از این مکتب اجتماعی ندیده‌ایم بنده وقت مجلس را بیشتر از این نمیگیرم یادداشت‌هایی که اینجادارم اگر طرح شده است از طرف دوستان اقلیت دوستان بعدی جواب خواهند داد اگر یادداشت‌های بنده ارزش داشته باشد تقدیم میشود مسأله اینکه جناب آقای لیدر محترم فراكسیون مربوط به اولویت‌ها است بنده عرض کوچکی دارم چون موکلین بنده انتظار دارند که وقتی در پشت تریبون مجلس قرار گرفتیم آرزوها و تقاضاهایشان را بعرض مجلس شورای ملی برسانم و امیدوارم که دولت جزئی ما باین مسئله توجه خواهند داشت موضوع مورد علاقه بنده و موکلین بنده و مسلماً دوستانی که از حوزه انتخابیه بابل انتخاب شده‌اند میدانند که مقداری سرمایه گذاری شده است از طرف شخصی در حدود پنج میلیون تومان و یک زمین در حدود ۱۰ - ۱۵ میلیون ریال مردم شهر اهداء کرده‌اند. ساختمانی در آنجا تهیه شده برای اینکه دوره عالی تکنولوژی در آنجا برقرار بشود بنده از نماینده محترم دولت که تشریف دارند استدعا میکنم یادداشت بفرمایند بنظر جناب آقای نخست وزیر برسانند از فرمایشاتشان اتخاذ کنند میکنم در شورای مرکزی استان مازندران که حزب ایران نوین تشکیل داد دانشکده

هارا تأیید فرمودند و باز بهر هران حزبی عرض میکنم جناب آقای دکتر دافدر تشریف داشتند در قطننامه شورای مرکزی استان يك ماده بخصوص برای دوره عالی تکنولوژی بوده است این دوره عالی تکنولوژی تنها برای مردم بابل نیست چون جمعیت بابل و نیروی انسانی بابل تمام این انستیتورا نمیپوشاند برای تمام مملکت است استدعا میکنم از لیدر محترم فراكسیون و نمایندگان محترم دولت که باین موضوع توجه کنند باز هم من منصف هستم با رعایت اولویت‌ها با رعایت سایر مقتضیاتی که من معتقدم دولت بآن توجه دقیق بفرمایند و این آرزوی مردم مازندران را جامه عمل بپوشانند و افتخاری هم برای بنده کسب و ایجاد کنند و سپاسگزارم و متشکر. عرایض خودم را در مقام دعا به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر (فضائی) - چون دکتر هستی راجع به آب هم توجه داشته باشید) عرض کنم بنده بقدری به آقای فضائی احترام میگذارم که در مسأله آب با احترام ایشان عرض میکنم (فضائی) استدعای بنده را قبول کنید) آب بابل بهمت اشخاصی که بی‌ریا بدون تظاهر بدون وارد شدن در سخنرانی‌های تبلیغاتی، آب بابل را بوسیله دولت حزبی بوسیله دولت هویدا برنامه‌اش را درست کردند و انشاءالله آب بابل تأمین می‌شود و اما بخاطر شما از تمام مردم، مؤسسات ملی و سرورانی که در این راه قدم گذاشتند و زحمت کشیدند تشکر میکنم (احسن) مسلماً جناب دکتر متین در این باره بیشتر صحبت خواهند کرد در مورد جمله آخر قول داده بودم در مقام دعا و ثنا و آرزوی موفقیت و تهذیب دولت خد متگزار ما و موفقیت در جلوگیری از کمبودها و نارسائیهایك شعری بعرض برسانم و مرخص شوم. ای عنصر تو مخلوق از کیمیای عزت - وی دولت تو ایمن از صدمه تباهی - عزیز می‌خواهم و متشکرم (احسن).

رئیس - آقای زهتاب فرد بفرمائید.

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی عرض کنم حضور مبارکشان قبل از هر بیانی لازم میدانم به نکته‌ای اشاره کنم که وقتی دوستان مخالف هم روبروی هم قرار می‌گیرند اخلاق عمومی متأثر

می‌شود با سابقه دوستی و تاحدودی اعتقاد، باید اینجابه حاشیه بروم که من از هم اکنون میدانم که خیلی از عرایض من چه بسا مورد تأیید حزب مردم قرار نگیرد و چه بسا مطالبی که اینجا عرض می‌کنم بآن معنی جنبه حزبی نداشته باشد چون هنوز بیشتر از ۳-۴ سال نیست که عضو حزب مردم هستم و افتخار میکنم و امیدوارم هم مسلکان من ببخشند که بدان معنی منضبط نیستم هفت سال است که در روزنامه اراده آذربایجان، که ۲۲ سال افتخار انتشار آنرا دارم در مورد حکومت آقای هویدا بمناسبت‌های مختلف به قلم من تجلیل و تأیید شده است (احسن) و آن مقدار مطالبی که در مدت ۷ سال و اندی از آقای هویدا و از حکومت ایشان و از خصوصیات اخلاقی ایشان در این روزنامه منعکس شده است ناشی از اعتقاد قلبی من بوده است و آن مقدار از مطالبی که آنجا منتشر شده است البته در آن روزهایی که قلم من در تأیید حکومت حاکم بکار میرفت چه بسا ملاحظاتی بنظر میرسید که انتشار آنرا نیز به صلاح مملکت میدانستم اما به صلاح روزنامه اراده آذربایجان نمیدانستم خوشبختانه در اینجا آن مقدار از مطالبی را که من در روزنامه اراده آذربایجان مینوشتم دوستان اکثریت ما در اینجا بازگو می‌کنند و فرصت مناسبی هست آن مقدار از حرف‌هایی را که شما در دل دارید ما بر زبان بیاوریم (احسن) یقیناً ملاحظاتی را که دوستان حزب اکثریت ما از پشت تریبون مجلس شورای ملی بیان می‌فرمایند ولو اینکه مقداری با مبالغه و احساسات توأم است حرف‌های دل‌ماست حرف‌های اعتقادی ملت ماست درباره اصلاحات و پیشرفتهای مملکت (صحیح است) ما مسلم مخالف و منکر بدیهیات نیستیم (صحیح است) گذشت آن زمانی که اگر يك نفر مخالف پشت تریبون مجلس شورای ملی قرار می‌گرفت مخالفین آن مکتب بهر قیمت سعی داشتند حرف‌های او را تخطئه کنند امروز مملکت در يك روال صحیح و اصول انقلابی و دمکراسی قرار گرفته که شأن شما است که اینجا آنچه میتوانید از کارهای مثبت و تولیدی باصحت و صداقت ولو تکرار میکنم، مقداری مبالغه آمیز عنوان بفرمائید قبول بفرمائید که شأن حزب اقلیت نیز در اینست که آنچه بنظرش

رسید ولو اینکه اشتباه باشد ولی اطمینان داشته باشد که صحیح است با حسن نیت در اینجا بازگو کند این یعنی شأن دمکراسی و برداشت صحیح و روال يك مجلس ملی و بر همین پایه است که عرض کردم وقتی دوستان روبروی هم قرار میگیرند اخلاق عمومی متأثر میشود کسانی که می‌بینند دیروز زهتاب فرد در روزنامه از هویدا و از کارهای بعضی از وزراء تأیید میکرد چه بگوشش خورد و چه طور شد حالا که به مجلس راه یافته است خدای نکرده جنبه عوامفریبی بخود گرفته است؟ خیر چنین نیست و نمیتواند هم باشد زمان انقلاب نسل ما هر مردی را هر فردی را هر مکتبی را هر حزبی را که راه عوامفریبی راه گمراه کردن افکار عامه را ببیناید محکوم میکند ما اگر اینجا ملاحظاتی را یادآوریمانی را لازم میدانیم یادآوریمانی است بنفع مملکت و بصلاح مملکت چه بسا در این یادآوریمانی، شخص خودم، ناپختگی‌هایی داشته باشم اما به تحقیق سوء نیت نخواهم داشت نه شما نه ما:

بدوران دو کس را اگر دیدی

بگرد سر هر دو گر دیدمی

یکی آنکه گوید بمن عیب من

دگر آنکه گوید بد خویشتن

من در اکثر موارد در آقای هویدا این سعه صدر را سراغ دارم و در بیاناتشان، در نظقیاتشان، در اجتماعات مختلف دانشجویی، صنفی، دوستانه می‌نشینند و صمیمانه از نارسائی‌هایی که در کادر اداری در کادر مملکتی دیده میشود انتقاد میکنند اگر فرصتی بود و اگر مرا این سابقه ذهنی بود چه بسا بی‌میل نبودم که بسیاری از مطالب و بیانات ایشان را راجع به لغزشها، نمیگویم دانسته حداقل ندانسته را اینجا برای شما یادآور میشدم تا مصر نباشید که اگر فردی انگشت روی يك وزارتخانه یا يك اداره و حتی روی يك برداشت شخصی گذاشت بگویم آقا اینطور نیست یا اینطور هست به تحقیق هست و تا بوده و خواهد بود و همیشه مقداری آشفتگی و نابسامانی در دنیا و سازمانها خواهد بود بیائید منکر بدیهیات نشویم عرض کنم حضور مبارکشان من در ۴ سال پیش که افتخار نمایندگی

مجلس شورای ملی را داشتم رویه و سلیقه ام این بود که اگر احیاناً لغزشی، ندانم کاری، اشتباهی دانسته و ندانسته در یکی از سازمانهای آذاری ملاحظه میکردم در فرصتهای مناسب در سطح کلی میآدمم از پشت تریبون عنوان میکردم يك مقداری وارد مثال میشوم که شامل وضع يك يکایک مردم و موکلین شما اکثریت و شما اقلیت هم هست بطور مثال آندوره که نماینده تبریز بودم حالا چه خطائی کرده بودم که این دوره و هم دوره گذشته من که ۲۸۰۰۰ رأی از تبریز داشتم زمینه چندان خشک شد و چه غفلتی کردم که حتی در دوره ۲۲ و این دوره ۲۳ حتی یکدانه از آن تبریزی که برای من در دوره (۲۱) ۲۸ هزار رأی داده بود و خوشبختانه در نتیجه تلاش شما اکثریت اگر رشد اقتصادی ما به ۱۲٪ و گاهی ۱۳٪ و گاهی بنا به ادعای شما ۲۰٪ رسیده است در نتیجه تلاش و گسترش حزبی شما و فعالیت شما رشد سیاسی ماصد به سبب رسیده است (احسنت) یعنی از تهرانی که در دوره بیست و یکم ۱۲۰ - ۱۳۰ هزار رأی بیرون میآید یکبار ۵۸۰ هزار نفر از مردم تهران یعنی ۱۰ مردم تهران بحزب حاکم رأی داده اند با چنین رشدی من نفهمیدم چه غفلتی کرده بودم حتماً غفلت از من و از برداشت پارلمانی من بود که حتی یکدانه رأی در تبریز نداشتم (عباس میرزائی - بحزب رأی دادند) بلی بحزب رأی دادند (رضوی - مردم اصلاً به شخص رأی نمیدادند بحزب رأی میدادند) بلی و باین ترتیب معلوم شد که مردم عملاً انتخابات را تحریم کردند برای اینکه منحصر آزر بیها شرکت کرده بود که... (عباس میرزائی - مردم رأی دادند بوکلای حزب خود بر علیه خودت صحبت میکنی مردم رأی دادند بوکلای خودشان اگر بمردم و برای مردم احترام نمیگذارید صحبت نکنید) همین استادیانم خواهد بود برضتان میرسانم که تعمدی نیست همین تلخ گوئی سبب شد که من یکدانه رأی از تبریز نیاوردم (دکتر عدل - شما از تبریز کاندیدا بودید آیا در مشهد بمن رأی دادند؟) (دکتر الموتی - بحزب رأی دادند) قبول دارم تجلیل میکنم حزب شرکت کرد حزب رأی داد حزب در انتخابات شرکت کرد من قبول دارم اعضای حزب در انتخابات شرکت کردند حزب کاندیدا.

داد اعضای حزب شرکت کردند و اعضای حزب رأی دادند مردم گفتند حالا که حکومت حکومت حزبی است پس انتخابات راهم حزب انجام بدهد بهمین دلیل (یک نفر از نمایندگان - مردم به احزاب و روش احزاب احترام میگذارند و شماراهم در چهارچوب احزاب تعیین کردند) بهمان دلیل برض میرسانم (یک نفر از نمایندگان - مردم بروش احزاب احترام می گذارند).

رئیس - اجازه بدهید صحبت بکنند.

زهتاب فرد - بنده متأسفانه مدتی است مدرسه را ترک کرده ام شاید از نظر دستور زبان بیان من ایجاد سوء تفاهم نمیخواهم بگویم حداقل برای شما میدان حسن تفاهم ایجاد کرد که مرا تعلیم بدهید که من چون کاندیدای حزب نبودم چون حزب شرکت کرده بود و چون در تهران حزب کاندیدا داده بود و چون ۵۷۰ هزار نفر حزبی به رأی وبه بیانیه و باطلاعه وبه تر حزب رأی میدهند (صحیح است) منم از غرور شخصی برخوردارم منم از احسنت دسته جمعی شما لذت میبرم و بدم نمیآید این مقدمه را باینجهت آوردم که از احسنت شما برخوردار باشم من باین پیشرفت شما و باین گسترش حزبی شما تعظیم میکنم که شما توانستید در شیراز مرکز استان ادب پرور حافظ وسعدی بیخ گوش دانشگاه پهلوی ۷ وکیل بمجلس بفرستید ، درود میفرستم که هر ۷ نفر وکیل شیرازتان که من باین رجال تازه بدوران رسیده تعظیم میکنم هر ۷ نفر ۷۰۱۴۸ رأی آوردند (احسنت) درود میفرستم باین اتحاد این حزب باین شکل، این یکپارچگی در تاریخ دمکراسی بیسابقه است من بعه شما درود میفرستم (همه نمایندگان) آقا من تعظیم میکنم کجای حرف من اشتباه است؟ من که هماهنگ باشم فرصت مناسبی پیش آمده از تلاش و صمیمیت و فعالیت و یگانگی یکا یک شما در يك سطح استان تمجید بکنم این بهترین فرصت است که تشویق بشود ثابت بشود شما حزب مرد میان شما هم مجازید اسم من را قلم بزنید ولی شما نمایندگان حزب

ایران نوین اجازه بدهید که ما یواشکی در يك گوشه از حزب شما يك جا، جا بگیریم آقا این تحول است که در يك مرکز استان درست در يك مرکز استان ۷۰۱۴۸ رأی و هفت نفر وکیل رأی بیاورند بادم می آید یکروز در تلویزیون آزمایش هوش بود آقای محمودی یا شخص دیگری پرسید از چند نفر دانشجو که آقایان این کلمات را گوش کنید کتاب، تلویزیون، صدلی، کاغذ، دفترچه، مداد بعد گفت خوب آقا شما از کلماتی که من گفتم چندتارا بشمارید بعضی دوسه تا شمرند بعضی سه چهار تا بعضی ۵ تا اگر اشتباه نکنم فقط یک نفر توانست از ۷ تا ۶ تا را یادآور شود و من وقتی در شعبه ۳ شوجه شدم که ملت، اجتماع، مردم و بالاخره عبارت صحیح تر حزب توانسته است ما بین ۷۰۱۴۸ نفر آنچنان انضباط حزبی بوجود بیاورد که حتی یک نفر از این عده يك اسم را از قلم نینداخته باشد آفرین گفتم من درود میفرستم (رضوی این دلیل انضباطی است) (دکتر زهرائی - این وحدت حزبی است) بلی نه تنها یاد میگیریم بلکه بنده تقاضا کردم در مقام رسمی تقاضا کردم که بما هم راه بدهید که تعلیم پیدا کنیم تعجب میکنم (دکتر الموتی - انتخابات را تخطئه نکنید این کار درست نیست) عبارت و جملات من اگر خدای نکرده این توهم را پیش بیاورد که من قصد تخطئه داشتم من خواهش میکنم اگر این صحبتها بد است بصلاح نیست حذف کنید بنده شاگرد مکتب هستم من از حوزه های انتخاب شده ام که ۶۰۷۵ رأی داشتم آقا جان من شاگرد مکتب سیاسی شما هستم آخر يك آدمی که با ۶۰۷۵ رأی انتخاب شده و رقیبش با ۵۳۲۲ رأی باصطلاح شکست خورده در مقابل آدمهایی که ۵۷۰ هزار خرده ای رأی دارند من شاگرد هستم میدان بدهید (رضوی - حزب مردم نتوانست کاندیدا بدهد) عزیز من من قبول دارم که آدمی هستم که ۶ هزار و خرده ای رأی دارم و از محیطی انتخاب شده ام که متأسفانه آنها هم مثل من يك خرده اگر بهشان بر نخورد و بگوشان نرسد مثل من عقب افتاده هستن یعنی در آنجا نشسته هست مثل شیراز اتفاق نظر ندارند (دکتر الموتی - حوزه انتخابیه بناب

با تهران فرق دارد) برگردیم گاهی انسان بیخودی وبی جا و بی حساب بحاشیه می رود که هم برای خودش ایجاد درد سر میشود و هم دوستانی دارد که بعد از این که از اینجا رفتن بیرون بجای اینکه بنظر عنایت بنگرند خدای نکرده ممکن است با بیماری به بنده نگاه کنند عرض کنم خدمتان من امروز اینکه بحاشیه رفتم اینکه به بیراهه افتادم (یکسی از نمایندگان - خیلسی) واقعاً خیلی و واقعاً بعد هم که ارزیابی می کنم خیلی به بیراهه رفتم این حرفها نباید زده می شد زدن این حرفها خطرناک بود به مصلحت مجلس نبود این نظر مجتهدین سیاسی شماست بگوشم شنیدم که میگویند تخطئه نکنید پس این حرفها نباید زده میشد (عباس میرزائی مردم باید رأی بدهند باز آشدگان شما فراموش میکنید انقلاب ایران را شما از قدیم آزاد بودید ما آزاد شدیم و مردم آزاد رأی دادند قبلا مردم تهران ۱۰ هزار رأی به وکیل مجلس رأی میداد حالا ۵۷۰ هزار رأی میدهند این حرفها نباید زده میشد زدن این حرفها خطرناک است هنوز هم اگر يك آزاری از جهش هست در طبقه کارگرو طبقه شریف و زحمتکش کارگر است (فرهادپور - شما و آقای مهندس ریاضی يك اندازه رأی دارید) (عباس میرزائی - مردم تهران به عبدالله ریاضی افتخار میکنند که رئیس مجلس انقلابی است و با ۵۰۰ هزار رأی میدهند نه بحرفهایی که شما بزنید) هنوز هم انصاف و مروت و جوانمردی خوشبختانه در طبقه سوم در طبقه زحمتکش در طبقه کارگر بیشتر از سایر طبقات است من از همانجا که نشسته ام ناظرم که دوست عزیز نماینده محترم، جناب آقای عباس میرزائی را نمیدانم عیب یا حسن کار ما این است که با ۳۰ سال تاریخ ایران راه افتادیم سیمها را خوب میشناسیم مجاهدات، قداکاپری و مبارزات يك رنگی دوست عزیزمان عباس میرزائی عزیز را میدانم و میشناسم نمیدانم از توفیق چه خبر شد؟! که خدا توفیقش بدهد همیشه از سیمای ایشان تعریف میکردم و مطالبی داشت کسانیکه باتوفیق آشنائی داشتند میدیدند که همیشه این کارگر شریف و زحمتکش مواظب ناطق

است همینطوری نشسته و نگاه میکند اگر موافق شد که سرتکان میدهد این صمیمیت است یعنی که من علاقه دارم بحزب من یک فرد حزبی و علاقه دارم به ترحیبی ، من یک فردی هستم که باید حواسم جمع باشد همین امر سبب شده که اجازه بدهد خدای نکرده این توهم پیش نیاید که احساسات پاک و بی شائبه ایشان سبب بشود که من یک خرده عرض بیجائی بکنم که آقا تو چرا خواهش میکنی یکی از آقایان اسم آقای عباس میرزائی را یادداشت و بحزب ایران نوین گزارش دهند تا حزب موجبات تشویق ایشان را فراهم کنند تا دوره دیگر نیز که یک فرد کارگر آغاز دوازدهمین سال فعالیت پارلمانی است و ۱۲ سال حقوق پارلمانی را احراز دریافت میکنند این آرزوی ما است تا آنوقت بگوئیم که این بود که ۱۲ سال است حقوق پارلمانی را دریافت میکنند و دستش پینه دار و این شخص که دوازده سال حقوق پارلمانی دریافت داشته امید ما است که درد کارگرو طبقه خود را میشناسد این انقلاب را بسود کارگر پیاده کرده اید من درود میفرستم و آرزو دارم که این تشکیلات و تحزب روزی بآن مرحله برسد که اینجا را برای همیشه مسکن و مأوای کارگران و ملجأ کارگران، زارعین و روشنفکران بینیم و طبقات را ملاحظه کنیم .

یک نفر از نمایندگان - هستند شما چشمتان را

باز نمیکنید .

دکتر الموتی - این افتخار انقلاب ایران است

که ۷ سال ۸ سال نماینده کارگر در مجلس باشد . مردم بازم رأی میدهند .

صائبی - مجلس مجلس انقلاب است .

زهتاب فرد - بله صد در صد مگر من غیر از این گفتم ضبط صوت هست .

قدردان - این مورد توجه اعلیحضرت همایونی است آنها که آرزو دارند کارگر نباشد باید این آرزو را بگور ببرند کارگر مورد توجه اعلیحضرت همایونی است و بآنها لقب شریف عطا فرموده است (صحیح است) .

یک نفر از نمایندگان - شاید حزب مردم مخالف کارگر باشد .

قدردان - شما با کارگر مخالفید ؟

عباس میرزائی - حزب مردم بگذار کارگر مخالف باشد چرا عصبانی میشوی ؟

قدردان - کارگر چرخ اقتصاد مملکت را میچرخاند شما مخالفید ؟

زهتاب فرد - من از دوستان هم مسلک حزب مردم که اعتقاد دارم بعد از اینکه جلسه را ترک کردم خواهند گفت که مطالب شما نه حزبی بود نه اصولی بود نه بصلاصحت برداشت کلی بود از آنها خواهش میکنم مطالبی عنوان نکنند و مطالبی که اینجا عنوان میشود نه تأیید کنند و نه تکذیب ، من از این یادآور بهادر س میگیرم ، منتبه میشوم من تجارب تلخ دارم از این حرفها دیگر سعی خواهم کرد حاشیه نروم من روزی که افتخار نمایندگی مجلس شورای ملی را در آن دوره هاداشتم برداشتم این بود که اگر در کلیات جناب آقای عباس میرزائی و جناب آقای قدردان اگر اشتباه نکنم آنروزها اگر نکته ای بنظر من میرسد بعنوان مثال حتماً موکلین شما هم مراجعه میکنند و از دردها و گره خوردگی های زندگیشان تعریف میکنند اگر از تبریز بمن مینوشتند که کلمه تبریز موجب غرور شخصی من شد و باعث شد که یک مقداری باز بحاشیه رفتیم باه اگر از یک قضیه تبریز مثلاً برای من مینوشتند که سیل آمده یا خشکسالی شده و ما امسال بذر نداریم من میآمدم در پشت تریبون و نمیگفتم آقا امسال خشکسالی شده زارعین فلان منطقه بذر ندارند و مثلاً به هشت رود کمک کنید این کار را دکانداری میدانستم این را عوام فریبی میدانستم این را خودخواهی میدانستم میگفتم بجای اینکه بیایم عنوان کنم که در حوزه انتخابیه من کربلایی حسین کدخدای نامه ای نوشته میگفتم اگر خشکسالی شد اگر یکسال حوادث پیش آمد سیلی ، زلزله ای آمده و عده ای از زارعین بذر نداشتند بانک کشاورزی ، وزارت اصلاحات ارضی چه فکری کرده است چون میگفتم این درد مملکتی است برای مثال از فلان قصبه مینوشتند که چون خشکسالی شد ما نتوانستیم امسال بدهی های خودمان را بانک بدهیم و نتوانستیم امسال میشد در یک منطقه ای جناب جوان شیر محترم ، چرادرست روی دست بگذاریم و صبر کنیم تا زارعین بدبخت سرازیر

تهران بشوند و این درو آن در بزنند خودشان را خفیف و ذلیل کنند ، ماکه دوران انقلاب و دوران آزادی بردگان امروز زندگی میکنیم خوب وزارت اصلاحات ارضی بانک کشاورزی توصیه کند آقا ما مورثان هر وقت هر لحظه شنیدند اطلاع حاصل کردند در یک منطقه در یک دهکده حادثه ای اتفاق افتاده خشکسالی شده سیل و زلزله ای آمده وزارتین نمیتوانند قرضه هایشان را بپردازند بلافاصله بمرکز گزارش بدهد بدون آنکه آنها عریضه نگار بشوند شما فوری اطلاع بدهید این منطقه قروضش یکسال تمدید بشود با چنین برداشتی زمینه شکایت در سطح مملکت در یک درد مشترک خشک میشد این برداشت من بود حالا که مثالی زدم این مطلب را هم یاد آور شوم و چون حرف اقلیت خوانا نیست شما اکثریت بوزیر مربوطه و مدیر عامل بانک کشاورزی ، جناب دکتر متین خطیب شهر حزب اکثریت و وکیل محترم ، شما بدولت توجه بدهید فردا اگر مثلاً در میان دو آب حوزه انتخابیه جناب احتشامی یا در حوزه انتخابیه بنده یک قصبه مورد بی مهری طبیعت قرار گرفت بلافاصله بانک کشاورزی رأساً اقدام کنند که آن ها بدبخت نشوند بخدا ، به پیر ، به پیغمبر ، ما هم باشما هماهنگیم و همدردیم ، شما آنطرف صفحه را میخوانید شأن دمکراسی ایجاب می کند که ما هم اینطرف صفحه را بخوانیم مائلمخی را بانمام عوارض مترتب بر تلخ گوئی استقبال میکنیم این حداقل فرصتی است که یک مقدار از درد دلهای مردم و موکلین خود و شمار ما اینجا عنوان کنیم این برتقال فروشها ، این بلیط فروشها و دوره گردهای تهران اکثر آزار عین هستند و متأسفانه از بس آمده اند تهران و رفتند و کسی بدریشان رسیدگی نکرد اینجا ماندگار شدند شما حساب بفرمائید دیروز یا پیرروز بود یک تلگرافی داشتم از سیستان مردم سیستان تلگراف کردند که سال گذشته که آب نداشتیم دقت بفرمائید که گفتن این حرفها بکنفران به چه سرنوشتی انداخت ما میخواستیم که نماینده این دوره سیستان به سرنوشت نماینده دوره گذشته مبتلی نشود از سیستان تلگراف کرده اند که سال گذشته آب نداشتیم نتیجه این شده که شن های روان آمد و رودخانه هارا پر کرد

جناب ریگی عزیز توجه بفرمائید خوشبختانه امسال آب هست اما رودخانه هاپراست از شن (مظهری) بفرمائید با رسال و امسال دولت چقدر کم کرده بقیه است کمک کرده و وظیفه دولت است اما شما تعقیب بفرمائید شاید به نتیجه برسد زارع سیستان که پول ندارد بیاید چندین ده هزار تومان خرج کنند و رودخانه هارا لاروی کنند و تمیز کنند تا بشود از آب استفاده کرد شن روان رودخانه را پر کرده تلگرافش را هم زده منتظر هم شده اما خدای نکرده اگر غفلت شد امروز و فردا بشود زارع ناچار راهی تهران و مراکز نزدیک استان می شود یادداشتی یکی از ده ستان اکثریت فرستادند که اسمشان را نمیگویم که برایش پرونده بشود که خدای نکرده باینده ارتباط دارد نوشته است در منطقه خودشان خشکسالی هست زلزله هم شده خواهش دارند توجه بشود متأسفانه در بعضی از دستگاه های اداری و مملکتی آن دلسوزی و حال و شور انقلابی که در شما هم مسلکان حزب ایران نوین هست در آنها متأسفانه وجود ندارد بساور بفرمائید عضو حزب مردم هم هستند چون ما عده مان خیلی کم است حتماً ستون پنجم هستند اینها گوش نمیدهند این تلگرافها می آید اینجا میماند بنده آن دوره عقیده ام این بود که میآمدم اینگونه مسائل را عنوان می کردم یا عرایض و ایرادات من اصولی و صحیح نبود و ناپخته بود یا خدای نکرده دولت و دولتهای وقت چون من مخالف بودم عناد و لجاج میکردند و بحرف گوش نمیکردند و من اعتراف می کنم که در آن چهار سال نتوانستم بمعنی عالی و کالت نسبت بموکلین خود ایفای وظیفه کنم این دفعه که از طرف مردم بناب بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب شدم دوستی آمدم پیش من و گفت فلانی ، گفتم بله ، گفت چهار سال جیغ و داد کردی چه اثری داشت اگر برداشتن با هم مان است ول معطلی شمارفتید دم از اصول زدیم از کلیات زدیم و حرفهای گنده گنده گفتم کسی به حرفت گوش نداد این بار وکیل یک منطقه بودی حرفهای آنها را بزن من یک پیشنهاد می کنم میدانم قبول نخواهی کرد شما موکلین ارزنده دارید خدارا شاهد میگیرم خدارا که بیربط بزبان نمیآورم بشرقم با اعتقاد

میگویم آقای سعید وزیری و جوانشیر عزیز توجه بفرمائید نگذارید خدای نکرده عقیده عمومی بشود میدانید این مردم بنده چی گفت؟ گفت اینهار اول کن پیشنهاد من اینست میدانم قبول نخواهی کرد که سه چهار نفر از متنفذین محل را بحسب برای سه و چهار نفر کار و در تعقیب پیشنهاد آنها و ندگی کن اینها در محلیک سروصدائی راه میاندازند و تو در محلیک کارهائی می کنی و در انتخابات آینده هم پیش میری گفت این کار را که میدانم قبول نخواهی کرد پس يك كار بكن بیاحرفهای حوزه انتخابیه خودت را بزن در چهار چوب يك منطقه كوچك بناب حرف بزن و چهار کلمه هم در روزنامه بنویس هم وجدانت آسوده است و هم وظیفهات را انجام داده ای و هم بناب قسمتی از ایران است اگر اولی را یعنی پیشنهاد اول را نپسندیدی و نخواستی که این شاه پرستان حرفه ای برای تو سرو صدا راه بیندازند بیا لاقول بی حوزه انتخابیه خودت برو البته اولی را که طبعاً نه بان تجربه رسیده ام و نه خدای نکرده بان پایه از خفت و ذلت فکری رسیده ام که پیشنهاد اول را بپذیرم آنرا که نپذیرتم اما اعتقاد این شده که با دومی توافق کنم و اعتقاد این شده که تاجاییکه میتوانم عنوان کنم دردهای محلی و منطقه ای خود را بگویم. اشارتی کردم و سرو صدا راه افتاد خیلی علاقه دارم که يك خرده جمع و جوور شده و حساب شده حرف بزنم حساب شده دوستان مجلس و اکثریت که باز سرو صدا راه نیفتد قبول کنید اگر باز گریزی منیزم بمطالبی که شاید موجب تکبر خاطر بشود معذرت میخواهم و تا حدودی بی تقصیرم رفتم دنبال اینکه این پیشنهاد دومی را عمل کنم گفتم که بناب را بشناسم درد بناب را بشناسم وزیر کشور در یکی از سیمینارها گفت تا مادر در را نشناسیم درد را تشخیص ندهیم پدرمان نخواهیم رسید من رفتم ببینم درد منطقه چیست تا بیایم با صاحبان نظر و طبیبان اجتماعی در میان بگذارم دیدم درد بزرگ حوزه انتخابیه من عقب ماندگیش هست دلایلش را هم اشاره کردم يك دليلش اینست که يك جنا عرض کردم اتحاد، انضاق و هماهنگی و يك جا نشستن چون عرض کردم من ۶ هزار و خرده ای رأی داشتم و ظرف من ۵ هزار و خرده ای این یکی از عوارض

درد است اختلاف نظر هست که يك پارچگی نیست دوم اینکه وقتی دیدم اکثریت باصطلاح متوجه من شد تازه متوجه عقب افتادگی دیگر اینها شدم و آن اینست که اینقدر پرت از مسائل هستند که نرفتن دنبال کاندیدای اکثریت که بتواند درد آنها را درمان کند دیدم جامعه ای مردمی که اینقدر عقب افتاده اند که این نشستن را دارند بعد از اینکه مقدماتی چیده شد که شرحش از حوصله مجلس خارج است فعالیت کردیم و سرو صدا کردیم نصف مردم بمن رأی دادند نصف هم به کسی دیگر تازه کج سلیقگی مردم منطقه من بروز کرد که مرا انتخاب کردند مگر بنده چکار میتوانم بکنم حرف معمولی نمیتوانم بزنم حرف معمولی هم که میزنم مواجه با اعتراض شما می شوم و هیأت حاکمه هم که مطلقاً از این حرفهای بنده خوشش نیاید چون هر روز ما در راه رو با هم برخورد داریم اخلاق و ادب ایجاب می کند که بهر حال عنایتی شما بفرمائید و تعظیم بنده را جواب بدهید ولی هیأت حاکمه که دیگر نیازی ندارد پس اینهم از عقب افتادگی حوزه انتخابیه بنده است اتفاقاً دیروز يك نامه از شهر دار بناب داشتم ما آنجا چند قاعده و قضیه داریم که از دوهزار نفر بیشتر جمعیت دارد ولی فاقد آب مشروب است فاقد آب سالم است انقلاب شده بود هفتاد و پنج درصد کارگران و رنجبران ولی در يك منطقه دهائی هست که بیش از دو هزار نفر نفوس دارد ولی فاقد مدرسه است و فاقد راه مال روست

مهندس فروهر - مال که همه جا میرود.

زهناب فرد - جناب عالی مترقی هستید پیشرو هستید و روشنفکر هستید و ما هم به ثروت با چشم تنگی نگاه نمی کنیم خیلی از آزادی خواهان و مشروطه خواهان را سراغ داریم که از اشراف و اعیان بودند و پیش قراول آزادی خواهان بودند جناب عالی هم از آن طبقه هستید درست است که الاغ از کوه هم بالا میرود ولی اگر بارداشته باشد نمیتواند برود و اینها اصطلاح محلی است اصطلاح حوزه انتخابیه شش هزار نفری است که شما اعیان و اشراف با این اصطلاحها آشنا نیستید دیروز یکی از ناطقین شهیر حزب ایران نوین اینجا اظهار انزجار فرمودند که حزب مردم در مسائل پیش پا افتاده دارو،

اتوبوس، تخم مرغ، کره صحبت میکند خوب هر کس در سطح خودش و باصطلاح می تواند از گرفتار بهایش صحبت کند گرفتاری حوزه انتخابیه بنده از همین قبیل است و متأسفانه اصطلاحات قابل فهم آنها هم همین است که شاید از نظر فارسی امروز ثقیل باشد نمی دانم آقای معاون وزارت آبادانی و مسکن تشریف دارند یا نه از خود و وزراء که انتظار نداریم تشریف نداشته باشند.

عباس میرزائی - آقای قوام صدوری تشریف دارند و وزیر هستند.

زهناب فرد - من آن تعلیمات مدنیه ابتدائی که مسائل ابتدائی سیاسی را تعلیم میداد گرچه آنوقت ما هم شاگرد تنبلی بودم ولی باور بفرمائید خوانده ام و منظورم وزراء اجرائی بود البته آقای قوام صدوری مورد احترام همه ما هستند و مردی است که با امور سیاسی و اجتماعی کاملاً وارد است و اطمینان دارم هر چه اینجا عنوان میشود به آقای نخست وزیر خواهند گفت که زهناب فرد جلد عوض نکرده و هنوز دوست شما است و علاقمند است اگر بشود در این مملکت خدمت کند و لغزش هائی را باز گو میکند بلحاظ این وظیفه دوستی اش را انجام میدهد سال گذشته سیلی آمد جناب آقای معاون وزارت آبادانی و مسکن من صحنه سازی نمیکنم این واقعیتی است بخدا نمیخواهم با گفتن این حرفها و در دها و قریه حوزه انتخابیه خودم میروم يك عده ای از من استقبال کنند استقبال منحصر آدرشان اعلیحضرت شاهنشاه است و مادر کلاس خودمان در حزب مردم این نوع کارها را محکوم میکنیم (صحیح است) يك عده از دلسوختگان استقبال نیامده بودند در فرودگاه تبریز دیدیم ما هم دیدیم عرض کنم سیل آمد و زندگی محقر يك عده زارعین را تهدید کرد يك روحانی عالی مقام عیای دوشش را آورد يك روحانی عالی مقام مجتهد تحصیل کرده دکاندار نیست عبایش را در آورد با خال و گل مخلوط کرد و جلوی سیلی که خانه کوچکی را که مال پیرزنی بود گرفت با این ژست و حرکات روحانیت سبب شد مردم هم قیام کردند بیل هایشان را برداشتن و از نیروی انسانی استفاده شد و جلوی سیل را تاحدی که بشود خانه ها و آشیانه های افرادی را که

سرپرست نداشتند بگیرد حالا این مردم سالهاست که مینویسند و متعکس است که برای ما مبلغ کمی خرج کنید و يك سیل بند کوچکی بسازید نه از آن سدها که ۸۰۰ میلیون بر آورده شود بعد دست آخر ۱۰۰۰ میلیون شاید بیشتر تمام می شود و بعد هم معلوم میشود در مسائل لارویی و فنی و مسائل دیگر اشکالاتی پیش آمده که شاهنشاه آریا مهر مکرر باین ملاحظات اشاره کردند، نه، در حدود صد، صد و پنجاه هزار تومان خرجش است بیاید این سیل بند را بسازید که هر سال زندگی ما تهدید نشود. تهدید زندگی میداند یعنی چه؟ یعنی کوچ کردن زارعین به شهرها این را آقا در دولت بررسی بفرمائید شما هزار عنوان میآورید که چرا کارها در تهران متمرکز شده ولی بدانید که این يك راه حل پیش پا افتاده است اما فراموش کرده اند که چکار کنند که زارعین دستشان به بیل و آب و زمین بند بشود دستور بفرمائید این سیل بند درست بشود از فرهنگش نامه نوشته اند اکثر ساختمانهای که ما داریم هر لحظه زندگی و حیات دانش آموزان را تهدید میکند اینها در مخروبه های ناامنی زندگی میکنند با هم مدرسه شما این مدارس بزرگی را که در تهران میسازید يك مدرسه را هم ببرید بسطح دعوات این انقلاب وقتی سالم پیاده خواهد شد که نزدیک بشوید و درك کنید منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه را که این انقلاب را بخاطر هفتاد و پنج درصد این مردم میخواهند نه بخاطر من و شما اجرا کنید اعمال کنید سیل بند میخواهند مدرسه میخواهند شهر دو هزار و پانصد نفری بناب فاقد يك اداره شهر بانی است شهر بانی که امروز توانسته چنین اعتماد همگانی را بخود جلب کند و حافظ جان و مال و امنیت مردم تلقی شود و مورد احترام همه ماست اما شهر بناب فاقد شهر بانی است نیمه شبی هم در چند سال پیش آمدند یکی از ادارات آنجا یعنی ثبت اسناد را برچیدند و بردند به بینید اینها چه عقده هائی ایجاد می کند آقای وزیر بیاید یواش نزدیک بشویم به انقلاب اداری آخر این انقلاب اداری را چطور میخواهید پیاده کنید آقای صادق احمدی را روز اول وزارت نشان من تلگراف تبریک هم یواشکی و دور از چشم از حزب مردم برایشان فرستادم.

اسعد رزم آرا - اینقدر آزادی هست در حزب مردم؟
زهتاب فرد - بعله متأسفانه انضباط و این حرف‌ها را فقط وقتی شما میگوئید بگوش ما میخورد تلگراف تبریک زدم در روزنامه هم تجلیل کردم و زوز اول که شرفیاب شدم گفتم آقای صادق احمدی حوزه انتخابیه من يك اداره‌ای بنام ثبت اسناد داشته و آنرا نیمه شب آمده‌اند برچیده‌اند و برده‌اند و این عقده‌ای برای مردم ایجاد کرده آخر شهری است که صد و پنجاه هزار و خرده‌ای جمعیت دارد این را دستور بفرمائید مجدداً تاسیس کنند بلافاصله اقدام کتبی و تلفنی کردند مقام وزارت تا این لحظه که من در خدمتتان هستم و سه ماه از حقوق مجلس بهره‌مند شده‌ام خبری نیست باز هم از آنجا عریضه نگار شده‌ام بخدا آقایان این مسئله پیش پا افتاده نیست درد خود شما هم هست این حرف‌ها که مامیزیم اگر مورد سلیقه شماها هست يك احسنت بفرمائید که ما هم نفسی بکشیم چندبار هم یادداشت فرستادم و چند بار هم دست بدامان این دوست عزیزمان آقای شیخ الاسلامی شدم که هم از نظر همشهری بودن و هم از نظر قضائی دز ایشان نفوذ دارد این توقع را از آقای صادق احمدی دارم که حداقل در این مورد که يك تقاضای کوچک کردیم عملی بفرمائید تا بحال که عملی نشده و این يك نمونه از انقلاب اداری است ممکن است وقتی من تریبون را ترك كنم یکی از ناطقین متبحر بیاید و پاسخی کوبنده بمن بدهد و از احسنت‌های شما هم بهره‌مند شود ولی آیا این جواب اهالی بناب خواهد بود همین که راضی بشوید که جواب زهتاب فرد را کی و چگونه داد؟ تازه زهتاب فرد يك هزارم دردهای مردم را باز گو میکند این يك واقعیت تلخ است بخداوندی خدا قسم بشرق خودم قسم بمقدسات عالم قسم مایکصدم گرفتارهای مردم را منعکس نمیکنیم چرا توجیهی نمیفرمائید يك مثال دیگر بزنم (یک نفر از نمایندگان امکانات را هم در نظر بگیرید) دوست عزیز من، نیمه شب دو سال پیش آمدند يك اداره ثبت اسناد را از يك شهر ۲۵۰۰۰ نفری برچیدند چه امکاناتی را در نظر بگیریم؟ چرا جمله‌ای میگوئی که خودت هم اعتقاد نداری عزیز من

ما هم همدرد شما هستیم و هم صف شما هستیم در موردی بمن اعتراض کنید که وقتی جلسه تعطیل شد و جداناً ناراحت نشوید خدای من شاهد است که مکرر وقتی شما صحبت میکنید از صمیم قلب بدون اینکه متوجه باشم بیخ گوش من آهای را امید نداشته‌احسنت میگویم آخر شما هم انصاف داشته باشید این ملك كندی یعنی ده، دو سال و خرده‌ای است که مردم تقاضا کرده‌اند که این كندی یعنی ده و بیه جایی که هفتاد و پنج هزار نفر جمعیت دارد در شان نیست اسمش را عوض کنیم بگوئیم ملك شهر حتی آستان قدس رضوی پر جمعی فرستادند بنام ملك شهر این درد آوار است دو سال است که گوش نکرده‌اند همه‌اش که مطالب بزرگ نیست شما بیایید بمردم شخصیت بدهید برای مردم ارزش قائل شوید شما مستخدم مردم هستید نوکران مردم هستید دو سال و خرده‌ایست که جواب نداده‌اید بنده بنا جناب نخست‌وزیر صحت کردم حالا ممکن است بفرمائید زهتاب فرد مرتب گریزمیند و راجع به آقای نخست‌وزیر صحبت میکنند من شخصاً به حسن نیت آقای هویدا اعتقاد دارم (دکتر پرتوا عظم - همه اعتقاد دارند) و از گفتن آن هیچ ابائی ندارم چون اینها از هم جداست مثلاً من بلاین آقای الموتی هم حساب جداگانه‌ای دارم و ایشان را بنام یکی از آزاد مردان می‌شناسم (احسن) مادر صرف دشمنان شما نیستیم ما در صف دوستان هستیم و ناصحین مشفق شما هستیم بیایید با هم کنار بیاییم آخر اقلیت چه حرفی میزند دلناتن میخواهد در بیرون بگویند اقلیت نوعی اکثریت است ما که آرتیست نیستیم ما اقلیتیم وقتی من می‌آیم اینجا حرف میزنم چه کلماتی آقای دکتر متین بکار ببرم که شما مورد تأییدتان باشد آقا لطیف ترا از این کلمات پیدا میشود که میگوئیم دولت خطا میکند آقایان دسته جمعی میگوئید خطا نیست خطا نیست يك دیکشنری بدهید که اقلیت از آن کلمات استفاده کند تا مطالبی عنوان کرده بشود انتقاد سازندم (پرتو عظم - دیکشنری نه انگلیسی است نه فرانسه) بیسوادی بنده ریشه عمیق دارد آخر انتقاد نماینده حوزه انتخابیه ۶ هزار نفری در مقابل اساتیدی که حوزه انتخابیه پانصد هزار نفری دارند دل شیر میخواهد عرض کنم بیایید

واقعا با هم کنار بیاییم تا بدانیم در اینجا از چه کلماتی باید استفاده کنیم که اسباب ناراحتی شما نشود. آقا دو سال و خرده‌ایست این کلمه ملك كندی که تقاضا شده است ملك شهر بشود یکی از تقاضاهای مورد نظر است (پروین صوفی جواب دارد) میفرمائید جواب دارد الان خودم جوابش را عرض میکنم خانم صوفی می‌آیند میفرمائید کلمه ملك نباید گفته شود تصویب شده که از این کلمات نباید استفاده شود ولی آیا این هم تصویب شده که دو سال و خرده‌ای ننویسند که يك پیشنهاد دیگر بدهید يك مانی يك مردمی يك اجتماعی که معتقدین، انقلاب هستند خواهش میکنند اسم محاشان را عوض کنید شما نامه بنویسید باین دلیل درست نیست این اسم صحیح نیست يك اسم دیگری پیشنهاد کنید بخداوندی خدا این مردم يك نامه دریافت نکرده‌اند این میشود دولت؟ این میشود نوکر؟ این میشود خادم و مخدوم؟ شما میفرمائید برای يك تقاضای کوچک اینها باید بهر کس که صاحب يك عنوان است پناهنده شوند تا يك تقاضای پیش پا افتاده‌شان مورد قبول قرار بگیرد این صحیح است سرکار خانم صوفی شاید خواهید فرمود آقای زهتاب ضمن بیان‌شان توجه نکردند این کلمه عربی است یا این کلمات مقدس است و نباید گذاشته شود ما هم میدانیم ولی چرا جواب داده نمیشود شما به این موضوع بصورت يك موضوع کوچک نگاه میکنید؟ شما مرتب مطالبی راجع به روز ۲۸ مرداد چهارم آبان ششم به من و غیره در اینجا سخنرانی میفرمائید و همه صحبت‌ها منحصراً میشود به این مطالب و وقتی که پای مسائل دیگر میرسد میگوئید مطالب کوچکی است اما برای گفتن این مطالب واسم نویسی برای نطق شبار در مجلس میخوابید و آنوقت در حاشیه حرف‌هایك گریزی هم بجزوه انتخابیه‌تان میزنید که بله فلان گرفتاری را دارد خوب شما بحزب مترقی یعنی ایران نوین دین اخلاقی دارید بنیان‌گذارانشان خوب مترقی بودند یکی از دوستان بمن میگفت شما يك کاری کنید او میگفت برو صورت مذاکرات دوره بیست و دوم را بر دار و مطالبی را که نمایندگان اکثریت نه نمایندگان اقلیت درباره حوزه انتخابیه‌شان عنوان کرده‌اند

در بیاور و بخوان بین چه التماس‌ها و درخواست‌ها این هم مسلکان کرده اند و هیچ جوابی و نتیجه‌ای دریافت نکرده‌اند غیر از آقای مجید محسنی که آمدند اینجا و نطق کردند که هفتصد میلیون ریال در حوزه انتخابیه‌شان خرج شده و همه را به درد سر انداختند.

دکتر متین - راجع بچه موضوعی؟ یعنی اقلام خرجی که دولت در حوزه انتخابیه من کرده است؟ معذرت میخواهم از این نظر که اسمی از من بردید عرض کردم. **زهتاب فرد** - من اسم شما را بردم!! (نمایندگان خیر) ایشان مثل اینکه عجله در جواب دادن دارند ظاهراً بعد از بنده نوبت شماست که بیایید جواب بفرمائید.

دکتر متین - معذرت میخواهم اشتباه شنیدم چون محسنی و متین قریب المخرج است (خنده نمایندگان).

زهتاب فرد - انشاء الله در بقیه مطالب سوء تفاهم نشود عرض کنم دوست ارجمند و عزیزمان آقای مجید محسنی در دوره ۲۱ در روزنامه‌ام نوشته‌ام عملی من تلاش شما را تحسین میکنم و احساس غرور میکنم چون ایشان در محافل هنری باین اسم معروف هستند و صادقانه آنچه در امکان دارد برای پیشبرد خواسته‌های اصولی حوزه انتخابیه‌اش تلاش میکند و من خیلی خوشحالم که اینجا آمدند يك بیان درخشان دادند که برای بقیه هم مسلکان ایجاد دردسر کردند چون در سایه حوزه‌های انتخابیه این ارقام باین سطح عملی نشده است. راجع بفساد اداری نباید چیزی گفت در اینجا گریزی بانقلاب اداری بزنیم و يك خرده پیش روی کنیم آقایان بهتر میدانید يك قدری تأمل بفرمائید باین نکته که عرض میکنم و از شما خواهش میکنم وجداناً در این مورد استثنائی بعراض نماینده‌ای با ۶ هزار و خرده‌ای رأی دقیقاً توجه بفرمائید آقا بمن بفرمائید بیستم در کدام مسائل و مشکلات و گرفتاریهای پیش پا افتاده در سطح خیلی خیلی عادی شما خود را نیازمند به ملاقات جناب وزیر یا لااقل معاون ایشان نمی‌بینید؟ اگر انقلاب اداری صحیح اجرا شده باشد شما نیاز دارید وقتی يك معاون وزارتخانه جلسه مجلس را ترك میکند از آن گوشه بدنایش میدوید و توی راهرو دستش را میگیرید و با التماس و خواهش میگوئید آقا دستور بفرمائید که دیوار

اسعد رزم آرا - اینقدر آزادی هست در حزب مردم؟
زهتاب فرد - بله متأسفانه انضباط و این حرفها را فقط وقتی شما میگویند بگوش ما میخورد تلگراف تبریک زدم در روزنامه هم تجلیل کردم و روز اول که شرفیاب شدم گفتم آقای صادق احمدی حوزه انتخابیه من يك اداره ای بنام ثبت اسناد داشته و آنرا نیمه شب آمده اند برچیده اند و برده اند و این عقده ای برای مردم ایجاد کرده آخر شهری است که صد و پنجاه هزار خرده ای جمعیت دارد این را دستور بفرمائید مجدداً تاسیس کنند بلافاصله اقدام کتبی و تلفنی کردند مقام وزارت تا این لحظه که من در خدمتتان هستم و سه ماه از حقوق مجلس بهره مند شده ام خبری نیست باز هم از آنجا عریضه نگار شده ام بخدا آقایان این مسئله پیش پا افتاده نیست درد خود شما هم هست این حرفها که مامیزیم اگر مورد سلیقه شماها هست يك احسن بفرمائید که ما هم نفسی بکشیم چند بار هم یادداشت فرستادم و چند بار هم دست بدمان این دوست عزیزمان آقای شیخ الاسلامی شدم که هم از نظر همشهری بودن و هم از نظر قضائی در ایشان نفوذ دارد این توقع را از آقای صادق احمدی دارم که حداقل در این مورد که يك تقاضای کوچک کردیم عملی بفرمایند تا بحال که عملی نشده و این يك نمونه از انقلاب اداری است ممکن است وقتی من تریبون را ترك كنم یکی از ناطقین متبحر بیاید و پاسخی کوبنده بمن بدهد و از احسن های شما هم بهره مند شود ولی آیا این جواب اهالی بناب خواهد بود همین که راضی بشوید که جواب زهتاب فرد را کی و چگونه داد؟ تازه زهتاب فرد يك هزارم دردهای مردم را باز گو میکند این يك واقعیت تلخ است بخداوندی خدا قسم بشرق خودم قسم بمقدسات عالم قسم مایکصدم گرفتارهای مردم را منعکس نمیکنیم چرا توجهی نمیفرمائید يك مثال دیگر بزنم (بکنفرانمایندگان - امکانات را هم در نظر بگیرید) دوست عزیز من، نیمه شب دو سال پیش آمدند يك اداره ثبت اسناد را از يك شهر ۲۵۰۰۰ نفری برچیدند چه امکاناتی را در نظر بگیرم؟ چرا جمله ای میگوئی که خودت هم اعتقاد نداری عزیز من

ما هم همدرد شما هستیم و هم صف شما هستیم در موردی بمن اعتراض کنید که وقتی جلسه تعطیل شد و جداناً ناراحت نشوید خدای من شاهد است که میکر وقتی شما صحبت میکنید از صمیم قلب بدون اینکه متوجه باشم بیخ گوش من آقای رامبد نشسته احسن میگویم آخر شما هم انصاف داشته باشید این ملك كندی بمعنی ده، دو سال و خرده ای است که مردم تقاضا کرده اند که این كندی یعنی ده و به جایی که هفتاد و پنج هزار نفر جمعیت دارد در شانش نیست اسمش را عوض کنیم بگوئیم ملك شهر حتی آستان قدس رضوی پرچمی فرستادند بنام ملك شهر این درد آوراست دو سال است که گوش نکرده اند همه اش که مطالب بزرگ نیست شما بیائید بمردم شخصیت بدهید برای مردم ارزش قائل شوید شما مستخدم مردم هستید نوکران مردم هستید دو سال و خرده ایست که جواب نداده اید بنده بسا جناب نخست وزیر صحبت کردم حالا ممکن است بفرمائید زهتاب فرد مرتب گریز میزند و راجع به آقای نخست وزیر صحبت میکند من شخصاً به حسن نیت آقای هویدا اعتقاد دارم (دکتر پروتو اعظم - همه اعتقاد دارند) و از گفتن آن هیچ ابائی ندارم چون اینها از هم جداست مثلاً من با این آقای الموتی هم حساب جداگانه ای دارم و ایشان را بنام یکی از آزاد مردان می شناسم (احسن) مادر صف دشمنان شما نیستیم ما در صف دوستان هستیم و ناصحین مشفق شما هستیم بیائید با هم کنار بیائیم آخر اقلیت چه حرفی میزند دلنات می خواهد در بیرون بگویند اقلیت نوعی اکثریت است ما که آرتیست نیستیم ما اقلیتیم وقتی من می آیم اینجا حرف میزنم چه کلماتی آقای دکتر متین بکار ببرم که شما مورد تأییدتان باشد آقا لطیف تر از این کلمه ای پیدا میشود که میگوئیم دولت خطا میکند آقایان دسته جمعی میگویند خطا نیست خطا نیست يك دیکشنری بدهید که اقلیت از آن کلمات استفاده کند تا مطالبی عنوان کرده بشود انتقاد سازنده (پروتو اعظم - دیکشنری نه انگلیسی است نه فرانسه) بیسوادى بنده ریشه عمیق دارد آخر انتقاد نماینده حوزه انتخابیه ۶ هزار نفری در مقابل اساتیدی که حوزه انتخابیه پانصد هزار نفری دارند دل شیر می خواهد عرض کنم بیائید

واقعاً با هم کنار بیائیم تا بدانیم در اینجا از چه کلماتی باید استفاده کنیم که اسباب ناراحتی شما نشود. آقا دو سال و خرده ایست این کلمه ملك كندی که تقاضا شده است ملك شهر بشود یکی از تقاضاهای مورد نظر است (پروین صوفی جواب دارد) میفرمائید جواب دارد الآن خودم جوابش را عرض میکنم خانم صوفی می آیند میفرمایند کلمه ملك نباید گفته شود تصویب شده که از این کلمات نباید استفاده شود ولی آیا این هم تصویب شده که دو سال و خرده ای ننویسند که يك پیشنهاد دیگر بدهید يك مانتی يك مردمی يك اجتماعى که معتقدین، انقلاب هستند خواهش میکنند اسم محلشان را عوض کنید شما نامه بنویسید باین دلیل درست نیست این اسم صحیح نیست يك اسم دیگری پیشنهاد کنید بخداوندی خدا این مردم يك نامه دریافت نکرده اند این میشود دولت؟ این میشود نوکر؟ این میشود خادم و مخدوم؟ شما میفرمائید برای يك تقاضای کوچک اینها باید بهر کس که صاحب يك عنوان است پنهانده شوند تا يك تقاضای پیش پا افتاده شان مورد قبول قرار بگیرد این صحیح است سرکار خانم صوفی شاید خواهید فرمود آقای زهتاب ضمن بیاناتشان توجه نکردند این کلمه عربی است یا این کلمات مقدس است و نباید گذاشته شود ما هم میدانیم ولی چرا جواب داده نمیشود شما به این موضوع بصورت يك موضوع کوچک نگاه میکنید؟ شما مرتب مطالبی راجع به روز ۲۸ مرداد چهارم آبان ششم بمن و غیره در اینجا سخنرانی میفرمائید و همه صحبتها منحصر میشود به این مطالب و وقتی که پای مسائل دیگر میرسد میگویند مطالب کوچکی است اما برای گفتن این مطالب و اسم نویسی برای نطق شب را در مجلس میخوانید و آنوقت در حاشیه حرفهای گریزی هم بحوزه انتخابیه تان میزنید که به فلان گرفتاری را دارد خوب شما بحزب متزقی یعنی ایران نوین دین اخلاقی دارید بنیان گذاران نشان خوب متزقی بودند یکی از دوستان بمن میگفت شما يك کاری کنید او میگفت برو صورت مذاکرات دوره بیست و دوم را بر دار و مطالبی را که نمایندگان اکثریت نه نمایندگان اقلیت در باره حوزه انتخابیه شان عنوان کرده اند

در بیابور و بخوان بین چه التماس ها و درخواستها این هم مسلکان کرده اند و هیچ جوابی و نتیجه ای دریافت نکرده اند غیر از آقای مجید محسنی که آمدند اینجا و نطق کردند که هفتصد میلیون ریال در حوزه انتخابیه شان خرج شده و همه را به درد سر انداختند.

دکتر متین - راجع بچه موضوعی؟ یعنی اقلام خرجی که دولت در حوزه انتخابیه من کرده است؟ معذرت میخواهم از این نظر که اسمی از من برید عرض کردم.
زهتاب فرد - من اسم شما را بردم؟! (نمایندگان خیر) ایشان مثل اینکه عجله در جواب دادن دارند ظاهراً بعد از بنده نوبت شماست که بیائید جواب بفرمائید.

دکتر متین - معذرت میخواهم اشتباه شنیدم چون محسنی و متین قریب المخرج است (خنده نمایندگان).

زهتاب فرد - انشاء الله در بقیه مطالب سوء تفاهم نشود عرض کنم دوست ارجمند و عزیزمان آقای مجید محسنی در دوره ۲۱ در روزنامه ام نوشتم عمق من تلاش شما را تحسین میکنم و احساس غرور میکنم چون ایشان در محافل هنری باین اسم معروف هستند و صادقانه آنچه در امکان دارد برای پیشبرد خواسته های اصولی حوزه انتخابیه اش تلاش میکند و من خیلی خوشحالم که اینجا آمدند يك بیان درخشان دادند که برای بقیه هم مسلکان ایجاد دردسر کردند چون در سایر حوزه های انتخابیه این ارقام باین سطح عملی نشده است. راجع بنسب اداری نباید چیزی گفت در اینجا گریزی بانقلاب اداری بزنیم و يك خرده پیش روی کنیم آقایان بهتر میدانید يك قدری تأمل بفرمائید باین نکته که عرض میکنم و از شما خواهش میکنم و جداناً در این مورد استثنائی بعراض نماینده ای با ۶ هزار و خرده ای رأی دقیقاً توجه بفرمائید آقا بمن بفرمائید بینم در کدام مسائل و مشکلات و گرفتاریهای پیش پا افتاده در سطح خیلی خیلی عادی شما خود را نیازمند به ملاقات جناب وزیر بالا اقل معاون ایشان نمی بینید؟ اگر انقلاب اداری صحیح اجرا شده باشد شما نیاز دارید وقتی يك معاون وزارتخانه جلسه مجلس را ترك میکند از آن گوشه بدنباش میدوید و توی راهرو دستش را میگیرید و بالتماس و خواهش میگویند آقا دستور بفرمائید که دیوار

مثلا فلان مدرسه را تعمیر کنند که روی بچه‌های مردم نیفتد البته اینکه گفتیم همه منظورم همه مسلکان بخش خصوصی است (یک نفر از نمایندگان - بخش مخالف) من خفیف ترش کردم از این بخش مخالف همه دسترسی بجناب وزیر ندارند (یک نفر از نمایندگان اقلیت - خودشان هم ندارند) آقا کار را به کی باید رجوع کرد اینها مسائلی پیش پا افتاده است خدا شاهد است هم‌اکنون مسائل کوچک حوزه انتخابیه ما است متأسفانه هر وزیر را که می‌بینم دوسه دقیقه تعظیم و تکریم و احترام بعدیک مقداری توضیح میدهم و بعد يك نتیجه موقتی میگیرم که بعد از دوندگیهای زیاد بینم توفیق حاصل میشود یا نه جز سرکار خانم وزیر آموزش و پرورش که اخلاقاً موظف سپاس بگویم چون دو تقاضا از حضورشان داشتم هر دو را امر فرمودند و اجرا شد و این آقای صادق احمدی که بهشان زیاد ارادت دارم و خیلی خیلی تفاوت معامله هست ایشان هم راجع به ثبت اسناد بناب کتاباً و شفاهاً و تلفنی دستور فرمودند و اجرا نشد من هیچ دلم نمیخواست از سرکار خانم اینجا تجلیل کنم ولی اخلاق اینطور ایجاب میکند. موضوع مهم دیگر ما تقاضا کردیم در ملک کندی يك گمکی بما بکنند آقا این يك درد بزرگی است که هیچ مطلب پیش پا افتاده‌ای را در حوزه انتخابیه خودمان نمی‌توانیم حل کنیم مگر اینکه باوزرای مربوطه روابط و خصوصیت و دوستی شخصی داشته باشیم و باین وسیله مگر بجائی برسیم آقا در آوراست در این بناره قدری بیندیشید در کمیسیونهای حزبتان روی این مسئله بررسی کنید عرض کنم مشکلات و گرفتاریهای حوزه انتخابیه من گرفتاریها و مشکلات حوزه انتخابیه اکثر آقایان است اگر بناست در این مورد صحبتی بشود این بان معنا نخواهد بود که ما منکر اقدامات وسیع عمرانی و اقتصادی و اجتماعی و آموزشی در سطح مملکت نباشیم علی‌التحقیق در چند سال اخیر از ثمرات انقلاب سفید انقلاب شاه و مردم، کارهایی که در چند سال اخیر تحقق پذیرفته جزو آرزوهای قرون بوده این هرگز مبالغه نیست بیاید دارید که چند سال پیش کارهایی که در مملکت انجام میگرفت مثل راه زیرزمینی خیابان سپهمن چون روزنامه نگار هستم

و خبرش را منعکس کرده‌ام یادم هست که وقتی این راهرو زیرزمینی در میدان سپه افتتاح میشد از نخست وزیر وقت مملکت مرحوم علاء دعوت شد که بیایند این راهرو زیرزمینی را افتتاح کنند حالا از تهران تا مرز ترکیه راه اسفاله داریم که ندر افتتاحش تشریفاتی قائلند نه آنرا به رخ عمرو وزید میکشند روز و روزگاری در همین تهران اکثر اوقات را ما در خاموشی برق میگذرانیم حالا خاموشی ۲ شب اخیر برق نباید خیلی بنظر ما بزرگ بیاید ده پانزده ناشر کتلهای خصوصی بودند که چیزی بنام برق تحویل ما میدادند که این شوخی آن روزها معمول بود که باید با شمع یا کبریت دنبال روشنایی برق گشت حالا برق سراسری مملکت را داریم کسی منکر این خدمات نیست يك وقتی در این مملکت نه يك کارخانه دکمه زنی بود نه کارخانه سوزن و مداد و مانند اینها ولی امروز شما سطح برداشت اقتصادیتان از کارخانجات، بمرحله‌ای رسیده که دارید مازاد بر مصرف داخلی را به بازارهای خاورمیانه آمریکا و شوروی و لبنان صادر میکنید و در سایر ممالک جا باز میکنید اینها يك واقعتهای درخشانی است اینها را کسی منکر و مخالف امور نیست از بعضیها هنوز سنی نگذشته است لابد بیاید دارید وقتی میخواستیم يك لیوان آب بخوریم بشیر آب با اصطلاح يك پانچ سفید میسسیم تا آن گرم‌های ریز و کوچک جمع بشود و وارد لیوان نشود تا بتوان يك لیوان آب خورد ولی الآن در اکثر دهات آب لوله کشی هست (آفرین) اینها را کسی نمیتواند منکر شود يك وقت در استان آذربایجان که آن وقتها بشرقی و غربی تقسیم نشده بود فقط به کلمه آذربایجان نامش را مینامیدند جناب دکتر شفیح امین بنده را میبخشند اگر اشتباه کرده باشم آنروز در آذربایجان فقط دو تا دکتر داشتند امروز در اکثر نقاط و قصبات سپاه بهداشت دارید آقا انقلاب را نمیشود منکر شد کیست که جرأت داشته باشد درباره ثمرات انقلاب حرف بزند گاهی شما میگوئید این حرفهائیکه ما میزنیم در لباس انتقاد، بعضی از رادیوها بهانه میدهند آن

رادیوها در مقابل این اسناد مهم و محکم چه میتوانند جواب دهند، آقا این شأن دمکراسی است ما با این بهانه جوئیم دمکراسی و آزادی خودمان را محدود نمیکیم (احسن) من اینجا هر حرفی میزنم ممکن است در حرفهای بعدی من حرفهائی باشد که گفته شود این حرفها صلاح نیست ولی بعقیده من صلاح است برای اینکه ما بمرحله‌ای از ثبات سیاسی رسیده‌ایم و حمایت و پشتیبانی عمومی از تر انقلاب شاه و ملت بقدری است که هیچ حرفی نمیتواند مسیر ما را منحرف بکند شما سابقاً کدام دهقان و دهقانزاده‌ای را سراغ داشتید که سرش زخم نداشته باشد؟ کدام شهری را میشناختید که چشمهایش تراخمی نباشد امروز همه این مسائل جزو ملاحظاتی شده که در قاموس ما بفراموشی سپرده میشود (احسن) این واقعیتی است که نمیشود کتمان کرد امروز پیشرفت و ترقی ما بمرحله‌ای رسیده که خوشبختانه الگویی برای ممالکی شده که میخواهند مملکتشان را تغییر احوال بدهند. امروز ما در چند مملکت متخصص داریم خوب اینها افتخاراتی است که همه شما و اگر انصاف داشته باشید همه مادر آن سهم و شریک هستیم آهنگ‌هایی که در چند سال اخیر از ایران شنیده میشود دنیا تکان دهنده تلقی شده و آهنگهای غرور انگیزی است شما تصور میفرمائید اگر اقلیت خودش را در این مسائل وارد نمیکند منکر بدیهیات است؟ نه جانم، در مقدمه عرایضم گفتم ما حرفهائی را میگوئیم که شما در دل‌تان میگوئید جاناسخن از زبان ما میگوئید (یک نفر از نمایندگان اکثریت و همچنین هر چه را ما میگوئیم) مایک مقدار مطالب را با مختصر دستکاری و تعدیل و حساب شده کارها را تأیید میکنیم ولی این پیشرفتها مانع از افشاء حقایق تلخ نخواهد بود (احسن) ما بخش مخالف هستیم منم جزو بخش مخالف هستیم متأسفم که بگویم جناب نخست‌وزیر اخیر آکمی عصبانی شده‌اند من از دوستان خیلی نزدیکشان استند عا دارم بایشان یاد آور بشوند آقای نخست‌وزیر از برداشت و روش ۶، ۷ سال اولتان چه ضرری دیدید که حالا کمی عصبانی شده‌اید نشان نخست‌وزیری ایجاب نمیکند که عصبانی بشوید وقتی شاهنشاه رهبر مملکت در اجتماع

اخیر شرفیابی حزب مردم عبارت هائی بکار میبرند که برای دمکراسی ایران يك سند افتخار است و میفرمائید اگر شما در انتخابات آینده در اقلیت می‌ماندیند و دژس دیگری برای ما میدهند چرا بما میگوئید بخش مخالف و ما بنام بخش مخالف حرف میزنیم ...

مصطفوی نائینی - بخش مخالف که عبارت بدی نیست جناب زنتاب.

عباس میرزائی - بخش کلمه فارسی است شما در قرآن سوره الاحزاب را خوانده‌اید؟ اشکالی ندارد اگر ایشان کلمه حزب را بفرمایند بخش، در هر صورت عصبانی نیستند و همیشه لبخند مبارکشان را دارند (خنده نمایندگان)

زنتاب فرد - ... گاهی حرفهائی از بخش مخالف شنیده میشود، غرور و سب شکست است، شما اکثریتید صاحب قدرتید، حاکمید، امروز با عدد حکومت میکنید نگذارید عدد دمکراسی را تهدید کند خیلی ها را بیاید داریم در همین میدان بهارستان میگفتند هر جا شما هستید آنجا مجلس است.

(همهمه نمایندگان)

دکتر علومى - آنها آشوب طلب و هرج و مرج طلب و خائن به مملکت بودند آنها را مثل نزنید.

زنتاب فرد - من از بخش مخالف حرف میزنم، کاری نکنید آزادی را بیش از این تهدید کنید شما اکثریت هستید شما حاکمید این بدعت را نگذارید که ما بگوئیم هر کس عدد بیشتری داشت حق با او است.

دکتر الموتى - اصول دمکراسی را که نمیتوانیم عوض کنیم.

دکتر علومى - اکثریت آراء یعنی چه؟ یعنی حاکم بر رأی اقلیت.

ایمان زهرانی - مفهوم دمکراسی همین است.

زنتاب فرد - اکثریت آراء محترم است شما وقتی رأی میدهید مورد تأیید ما است چون اکثریت آراء را دارد اما سخن اینجا است که توجه بفرمائید که ما باید برای بخش مخالف حق نفس کشیدن قائل باشیم اگر خدای نکرده يك روز شما در برداشتن دچار اشتباه شدید کمی اشتباهات شما را بر خ شما خواهد کشید؟

دکتر الموتی - در ایران حق مخالفت برای همه مردم و همه مطبوعات محفوظ است.

زهتاب فرد - در انگلستان که بقولی مادر مکراسی است.

ایمان زهرانی - يك وقتی بود، حالاً مادر استعمار است.

زهتاب فرد - من باینها کاری ندارم عرض کردم بقولی

دکتر علومى - ما ستایشگر هیچ رژیم بیگانه‌ای نیستیم چه انگلستان باشد چه جای دیگر ما سرباز انقلاب شاه و مردم و رژیم سلطنتی ایران هستیم.

زهتاب فرد - درس آموزنده‌ای که استاد محترم دانشگاه بمن دادند جای تشکر دارد ولی حق بود اجازه میدادند من جمله‌ام را تمام کنم بعد معترض بشوند پرونده هوچیگری، تهمت و افترا برای همیشه بسته شده است (صحیح است) امروز همه میدانیم در این مملکت پرونده اجنبی و اجنبی پرست بسته شده است ستون ارتجاع فروریخت، اربابان مردند (احسنت) آقای استاد دانشگاه اینها را منم با توهم عقیده هستم من و تو زائیده همین انقلاب هستیم مجلس مجلس انقلاب است، بیایند آزادی را بررسی کنیم.

ایمان زهرانی - اکثریت زائیده انقلاب است. **زهتاب فرد** - اکثریتی که در روز ۶ بهمن که شما وجود نداشتید بآن رأی داد و شما و حزب شما الآن زائیده آن هستید.

دکتر علومى - پس اکثریت محترم است. **زهتاب فرد** - شکی نیست منکراً اکثریت بودن منکر حقایق بودن است. بله، در انگلستان که بقولی مادر مکراسی است رئیس مجلس حتی از اقلیت است و اقلیت، اقلیت اعلی حضرت خوانده میشود ندر برای چه؟ برای اینکه اقلیت پشتوانه داشته باشد و خوشبختانه در مملکت ما این ملاحظه بیش از هر مدعی آن‌هاست و مدعی طرفداری از مکراسی مرعی است و مراعات شده تاریخ را بخوانید از کوروش

کبیر یاد آوریم چند روز پیش بود که منشور آزادیش را بنام يك سند افتخار و آزادی بدینا ارائه دادیم و این ما ملت ایران بودیم شما قبول دارید که همه کس راهمه جانمیشود دعوت کرد، این ایران بود و این سندنمحصردردست ایران بود که دنیا را اودار به تعظیم و تکریم کرد در شرفیابی اخیر حزب مردم شاهنشاه جمله‌ای فرمودند، این فرمایش شاهانه است «منهم از شماها هستم منهم جزء مقدمین از انتقاد پاره‌ای از سازمان های مملکتی هستم» این افتخار برای بخش مخالف است این افتخار مال آن اقلیتی است که از بعضی دیدگاهها اکثریت است.

ایمان زهرانی - اکثریت قبل از انقلاب. **زهتاب فرد** - اکثریتی که نه عضو حزب ما است، نه عضو حزب شما، بگذارید يك قدری بررسی شود شما اکثریت هستید این عده معدود هم اقلیت هستند شما اکثریت هستید اما اکثریتی دیگر را هم سراغ داریم حالا بشما معرفی میکنم شاهنشاه همیشه انکاء آن بشما قانونگذار و آن اکثریت که ملت ایران است و هنوز توفیق درک مرامنامه حزب ایران نوبنی‌ها و یا حزب مردمی‌ها را پیدا نکردند شما برای رسیدگی بدر دل آن اقلیت یا آن اکثریت واقعی سازمان بازرسی شاهنشاهی بوجود آوردید از بخش مخالف حرف میزنم از شکایاتی که در هر استان ده‌پانزده هزار به بازرسی شاهنشاهی میروند بازرسانی که چشم و گوش شاه هستند صحبت میکنم شاه عادل شاه مردم پرور شاه دموکرات به بخش مخالف میدان میدهد بخش مخالف را اسیر عدد نمیکند شما قانونگذاران محترم هستید ولی يك بخش مخالف هم نظرش محترم است (عباس میرزائی - ولی میدانید شاهنشاه رهبر ایران است و سایه‌شان بر سر تمام ملت ایران مستدام است) بخش مخالف آن عده‌ای از مردم هستند که از هر استان ده‌پانزده هزار شکایت تقدیم بازرسی شاهنشاهی سازمانی که چشم و گوش شاهنشاه است می‌کند (دکتر بیگلری سه‌هزار تا) بسیار خوب اگر سه‌مطلب هستند در آن سه‌هزار تا باشد شرم آور است اگر دولت رسیدگی دقیق نکند بخش مخالف کمیسیون عرایض مجلس است خدا سلامتش بدارد و طول عمرش بدهد آن

مرد آزاده را نمیدانم چطور شد سرتیپ پور رئیس قبلی کمیسیون عرایض مردی موجه، متین، دانشمند آزاده از پشت همین تریبون بنام کمیسیون عرایض کمیسیونی که اگر اشتباه نکرده باشم ۳۰ هزار از بخش مخالف نامه دزد البته همه این ۳۰ هزار تا را بنام شکایت وارد اعلام نمیکنم ولی بخشی است که حسابش از حساب شما جدا است یعنی در دلش را بنام شما نمی‌گوید در نتیجه تبلیغات ایران گیر شما من نمی‌گویم انشاءالله در نتیجه تبلیغات ایران گیر شما و تبلیغات وسیع روزنامه‌راه مردم بلکه باره خوب آشنا شوند ولی علی‌الحساب ۳۰ هزار از بخش مخالف حرف میزند بخشی که آقای نخست وزیر اگر اشتباه نکرده باشم در همین جای یاد آوردند که روزانه به بازرسی نخست‌وزیری ۸ هزار نامه میرسد بخش مخالف است (دکتر تیت منصور - زیاد نیست) نگفتم زیاد است ولی شأن دموکراسی اقتضا می‌کند کلمه زنجیر عدالت و خیلی چیزها را بیاد داریم که اگر برای آن باشدشان دموکراسی ايجاب میکند که توجه داشته باشید (دولو - همه این هفت هزار که شکایت نیست يك مقدار پیشنهاد است و يك مقدار درخواست و تقاضا) جناب دولو استادار جنمناز مفاخر مملکتی ما هستند من کلمه استاد را بی جا بکار نمی‌برم شما هنرمندید شاید بعضی‌ها اطلاع نداشته باشند که در شخص شما تخصصی هست که در تمام دنیا در بین تمام کاریکاتوریست‌های دنیا فردوم شناخته شده‌اید من بشما احترام دارم و من بی‌جهت حرق خودم را قطع نکردم (دولو - این نظر لطف شماست) گفتم توجه بفرمائید این ۳۰ هزار نامه که می‌آید منم عضو کمیسیون عرایض هستم همه را وارد تشخیص نمیدهم - ولی بعضی‌های آنها وارد است (دکتر نواوی - در همه جای دنیا اینطور است) ولی در همه دنیا حق را رسیدگی نمی‌کنند حالا از وارد هایش صحبت میکنم بقی این هم هست ولی تخطئه نیست شکایت می‌کنند رسیدگی میشود نتیجه میگیرند من صلاحیت عرض گزارش ندارم این کار در صلاحیت دولت ارزشمند و ورزیده جناب کاسمی است اشارتی فرمودند که من عضو کمیسیون عرایض هستم من از بخش مخالف در کمیسیون عرایض هستم مطالبی که میگویم تحقیق

بفرمائید این در صلاحیت من نیست در صلاحیت دوست دانشمند دوست ارجمند جناب کاسمی است که در این مورد بعرض خواهند رساند اما می‌خواهم بعرضتان برسانم که از چند سال پیش که حالا وارد نهمین سال میشویم در کمیسیون عرایض شکایاتی هست که آنچه کمیسیون عرایض تعقیب کرده و نامه نوشته است متأسفانه باید بگویم مطلقاً جواب نشنیده و متأسفم بگویم مطلقاً جواب مثبت و قانع‌کننده دریافت نشده نمیشود فقط حرف زد و شعار داد زمان شعار دادن گذشته است ما از آن دوره و کسانی که بعرض شعار دادن مبتلی هستند خاطرات تلخی داریم عرض کنم من نهمین دارم نه قوم و خویشم زمین دار است به عده‌ای در ۱۲ سال پیش از قیطر به دولت مقداری زمین داده همه اینها کار بندگان جزء و پیشخدمت و معاون و وزیر اسبقی هم در بینشان نیست در همین حدود ۲۵۰، ۳۰۰ متر ۱۲ سال پیش داده شده بعد از مدتی دولت گفته این زمینها مال من نبود ببخود بخشیده‌ام بیایید شما از محله‌ندید یوسف آباد زمین بدهم اینها گفته اند منظورمان زمین است برای ساختن نمی‌خواهیم بفر و شیم می‌خواهیم آشیانه‌ای بسازیم مانعی ندارد بدهید، کارشناس از آبادانی و مسکن بهر کدام يك قطعه زمین را تحویل دادند سند نوشته به محضر ارائه دادند، چون فرمودید تعقیب شود نتیجه تعقیب را چون جزویکی از ۷ نفر اعضای کمیسیون عرایض هستم فصولاً میگویم بعد از مدتی گفتند آن زمین نمیشود گفتند بیایند پولتان را با ۶٪ تحویل بگیرد بعد از ۱۲ سال، اگر اینها ۱۲ سال پیش از زمینهای هم شهری عزیز من آقای دریانی متری چهار تومان زمین خریده بودند حالا شده بود متری چهار صد تومان این چه عدالتی است چرا پول اینها را توقیف کردید چرا باینها زمین در حدود ۲۵۰ متر نمیدید این صحیح است؟ این عقده ايجاب نمی‌کند؟ این درست است در پیاده کردن يك تر انقلابی ملی کردن جنگلها است اینها زمینهای متری ۲۵ تومان را بنام اجرای یکی از اصول انقلاب قطعات چند ده هزار متری را بکسانی میدهند که خودتان میدانید که می‌خواهند ویلا بسازند آن طرحها همه‌اش مسخره است ۸ هزار ۱۲ هزار ریال رحم زهتاب فرد از پشت

تربیون میگوید آنجا نه زمین پس میگیرند نه معامله بهم میخورند نه اشتباه کاری میشود ولی اینجا وقتی ۲۵۰ متری میدهند معلوم میشود زمین مال دیگری است شما که معتقد هستید میلیونها زمین دارید پس از جای دیگر به اینها بدهید این صداها را خاموش کنید. يك پرونده دیگر میشود عنوان کرد فرصتی است متمم بودجه است میشود از این شاخ بآن شاخ پرید ما باید حرف بزیم لااقل این حرف که درد دل بخش مخالف است خوب تقصیر ما چیست بما بخش مخالف میگویند (دکتر علمی - اشکالی ندارد) عرض شود حضور مبارکتنان يك پرونده دیگر يك عده جناب فرهادپور عنوان کردند که مطالبی که این عنوان میشود مطالبی که در روزنامهها نوشته میشود خود برای این است که نوشته شده یا واقعاً توی دستگاه و سازمانهای مملکتی هست که باید رسیدگی کنند من از آقای نخست وزیر خواهش میکنم از دوستانشان از آقای قوام صدوری که در جاشیه کارهایشان سازمانی بوجود آورند (قوام صدوری - وجود دارد) میفرمائید وجود دارد که شکیبایی که در روزنامهها در مجلس در کمیسیون عرایض عنوان میشود و واقعاً وارد تشخیص میدهند روی کاغذ بیاورند و هر هفته روزهای پنجشنبه که جناب آقای نخست وزیر يك رویه پسندیده دارند و اطعام مساکین میفرمایند و سرسرفهشان دعوت میفرمایند در يك گوشه ای بعرضشان برسانید که در مجلس از بخش موافق این مطالب عنوان شده از بخش مخالف دیگر این مطالب عنوان شده در روزنامه کیهان در روزنامه آژنگ، صبح امروز، گاریکاتور این مطالب گفته شده عنوان کنید دوتای آن را بگذارید برای هفته بعد آنوقت خواهید دید که ۱۲ سال طول خواهد کشید هر پنجشنبه جناب آقای نخست وزیر گزارش بدهید که این مقدار مطالب است که نتیجه گرفته نشده يك عده از کارمندان بیمه با مقاله نامه حواله شده اند بوزارت بهداری تحت يك شرایطی، وزیر بهداری زیر بار آن شرایط نمی رود حالا بفرمائید باتباع می خواهیم مبارزه کنیم عزیز من يك دکتر در بیمه کارمندان ۲۵۰۰ تومان میگرفت حالا رفته آنجا ۹۰۰ تومان میدهند این آشفنگی در زندگی ایجاد

می کند من این کلمه صحنه را يك بار تکرار کردم و حالا هم تکرار میکنم خدا شاهد است چند روز پیش یکی از اینها آمد بهلوی من چه جواب بدهم این آدم آذربایجانی است می گفت من ۲۱۰۰ تومان حقوق میگیرممم حالا بمن ۸۰۰ تومان خرده ای میدهند و عائله مند هم هستم پنجشنبهها دخترها و نوه هایم معلوماً آیند منزل من، توجه بفرمائید من صحنه سازی نمیکنم حوصله داشته باشید مطلب دارم، آن مرد میگفت بزیم یواشکی گفته ام برنامه های پنجشنبه ناهار را يك کمی کمترش کن محدودترش کن زیرا من نمیتوانم هزینه اش را تأمین کنم، وقتی دولت زیر امضای خود میزند برای مردم و از مردم چه انتظاری دارید این يك پرونده ماجرای دهساله یازده ساله است منم میدانم، حالا يك خبر تأسف آور بهتان بدهم حالا که از کمیسیون عرایض مایوس شده اند بدیوان عالی کشور رفته اند حالا میگویند دادگستری مرجع آنهاست چرا بکارشان رسیدگی نمیکنند و فیصله نمیدهد که اینها از این دربان در نزنند ما آثار این آشفنگی ترا نمی توانیم ارزیابی کنیم من برای اینکه يك مقدار صحنه آن مرد محترم که جلوی من بود مرا خیلی متأثر کرد خوب است يك مقداری از روی نوشته بخوانم چون من معمولاً تیزتر مطالب را می نویسم و با این نوشته هایم تبادل نظر میکنم یکی از دوستان فرمودند بخش مخالف هم مورد تأیید اعلیحضرت همایونی هستند؟ وقتی که او امر اعلیحضرت را که به بخش مخالف میفرمایند چون ما مورد تأیید اعلیحضرت همایونی هستیم پس هستیم همه، همه بخشها مورد تأیید هستند (صحیح است) همانطور که خود شما که با ریزی خاصی که دارید توجه دارید مسئله مهمی را باید در اینجا مطرح کنم و امیدوارم اینجا بحث و بررسی شود تا دیگر مقامات حزبی با مقامات مسئول دولتی چنین عنوانی را نمایند این است که گاه بگاه دیده میشود که چگونه درباره نحوه انجام وظایف این مقامات بحث میشود و با در این مورد تذکراتی داده می شود که مسئولیتها را برابر قانون عمل کرده باشد و یا این وظایف را دقیقاً آنگونه که شایسته اند انجام داده اند یا خیر مذكر میشود که

اگر جز این بود برگردید به بعضی از سخنرانیها و نظنهای پشت تربیون و حزب و سایر مصاحبه نگوئید اگر جز این بود صدر صد وظائف خود را دقیق عمل نمی کردیم در موقعیت و یا در مقام مسئولیت خود باقی نمی ماندیم و همین حضور در این موقعیتها و مسئولیتها را ما یکی از تأیید کامل رهبری مملکت و یا ملت معرفی می کنیم و باید دلیل انتقادات نماینده حزب اقلیت یا بخش مخالف و یا گروه های دیگر را نسبت بخود غیر وارد توجه می کند در حالی که در این مملکت هیچ کس و هیچ حزب و هیچ بخش و صاحب مقامی مجاز نیست تأیید رهبری مملکت را فقط نسبت بخود و موقیت خود تصور کنند زیرا رهبری مملکت در جایگاه رفیع تاریخی و معنوی پیشوا و راهنما و پدر ملت ایران توجه ملت ایران را که در گروها و قشرهای گوناگون تشکیل شده است میباشد در این نظم قانونی و سیاسی روزنامه هائی متعددی را سراغ داریم که بعضی از آنها وابسته بحزب اکثریت و بعضی وابسته به اقلیت و بعضی مستقل الفکر هستند همه اینها را که اسم بردم همه نمودار نظم سیاسی و اجتماعی مین ما است که همه یکجا در زیر لوای شاهنشاهی ایران و اجرای حکومت مشروطه سلطنتی محسوب میشد و بیان این نکته توضیح این است که تمام این اجزاء که گفته شد مورد تأیید رهبر مملکت می باشد جای بسی تأسف خواهد بود که هر گاه حزبی و یا صاحبان مقام و مسئولیت در هر صف که باشند با این حد برسند که بخواهند تأیید رهبری مملکت را فقط ناظر بخود بشناسند و در نتیجه برخلاف روال و روش تاریخ این مملکت بشناسند و در این مورد است که باید اعلام کنم همه ملت ایران و هر حزبی که در این مملکت وجود دارد خود را برخوردار از همان تأیید رهبری مملکت می داند و همه تابع این اصل میباشد چه از نظر تأیید رهبری مملکت و چه از نظر اصول اقدامات قانونی همانطور که حزب اکثریت برخوردار است حزب اقلیت هم برخوردار است و نظارت دقیق را بر عهده دارد الا نکته ای باید اشاره شود که حزب حاکم یا دولت حزب حاکم و یا هر يك از مقامات مسئول در هر مرحله ای

که باشند نباید خود را مجاز بدانند که این تأیید معنوی را خدای نکرده برای جلوگیری از انجام وظائف ملی و قانونی و ابراز عقاید مختلفه انتقاد آئین اعلام کنند این يك واقعیت است چون هر موقع که در اینجا مسئله ای عنوان شد گفتند آقا ما مورد تأیید اعلیحضرت همایونی هستیم این را برخ ما نکشید همه ملت ایران مورد تأیید ایشان هستند و اصولاً من خواهش دارم سعی بفرمائید فقط در مواردی که لزوم عنوان اسم مبارک و مقدس شاهنشاه ایجاب میکند از شاهنشاه اسم ببریم این صحیح نیست که بایک ساخت و پاخت صفت لیبیات فروش که گردانندگان آن نمیدانم وابسته به بخش موافق یا مخالف هستند با يك صحنه سازی در روزنامه اطلاعات بصورت مختلفه بنویسند که به پیروی از نیات ملوکانه تخم مرغ را آوردیم بکلیوئی فلان قدر استعمال این عنوان مقدس را سرلوحه چنین بندوبست قرار دادن صحیح نیست و ما باید سعی کنیم این عنوان را در مواردی که لزوم تجلیل و یادآوری است عنوان کنیم من خواهش میکنم از جناب آقای نخست وزیر و همکاران مطبوعاتیمان مخصوصاً اطلاعات و کیهان که سعی کنند جز در مواردی که از طرف مقامات رسمی اسم اعلیحضرت ذکر شده بپست هر کس و بسلیقه هر کس اسم مبارک شاهانه عنوان نشود جناب دکتر شفیع امین می دانند در تبریز تابلوئی سازمان کو کا کولا زده است که شرم آور است زیرش بنویسند زنده و جاوید باد شاهنشاه یعنی چه در يك تابلوئی که مال يك مؤسسه تجاری است اسم شاهانه معنی و مفهومی ندارد این ملاحظات بظاهر کوچک است ولی باید توجه و دقت بشود سال گذشته برخلاف لیستی که اینجا عنوان شد شما تخم مرغ را ۴۸ ریال می فروختید امروز به پیروی از نیات اعلیحضرت ۶۲ ریال می فروشید یعنی چه به پیروی از نیات اعلیحضرت یعنی چه متأسفانه این سلیقه را هیأت حاکمه بمردم تلقین کرده مقدسات ملی کلمه مقدس ملی مفهوم زنده ای دارد این صحیح نیست ما بخاطر اینکه يك بخشی را به حزب جذب کنیم این اندازه به آنها میدان بدهیم که با ارزاق عمومی بازی کنند و میلیونها تومان بجیب بزنند و بعد

اجر و مزد آن‌ها را این داده باشیم که هر نرخی را که آنها داده‌اند ما بنام نرخ شهرداری قبول کنیم و اعلام کنیم این صحیح نیست موضوع دوم موضوعی است که باز از پشت تریبون مجلس از طرف بخش موافق عنوان میشود تا ما حرف میزنیم تا انگشت روی نقطه ضعف می‌گذاریم میگویند شما منکر بدیهیات می‌شوید آقا در این مملکت کارهای زیادی شده شما می‌آید اینجا وقت مجلس را می‌گیرید. راجع به کره و تخم مرغ و پنیر حرف میزنید در مقدمه عراضم یاد آور شدم کارهایی را که در این مملکت شده است کارهایی است در سطح بین‌المللی کارهایی است که صدای خیلی‌ها را در آورده و زوزه خیلی‌ها را بر آورده ما میدانیم این صداها و عریده‌ها و اتهامات و این هذیان‌گوئیهای سیاسی ریشه‌اش از کجاست و ما میدانیم صدای دوست از کجا می‌آید ولی قبول بفرمائید صلاح مملکت ایجاب میکند که خوشبختانه مردم همیشه متوجه ملاحظه دقیق هستند و خوشحالم بگویم که همیشه و در همه جا مردم حساب شاهنشاه را از حساب دولت جدا میدانند (صحیح است) بهرحال من يك مقدار دین اخلاقی راجع به تبریز دارم چند سال پیش من و گیل تبریز بودم در تبریز مردم دو سال تمام گوشت را کیلویی ۲۵ ریال گرانتر خوردند و خریدند خیلی حرف است این مسئله گوشت این افتخار را داشتیم که همراه هیأت بازرسی شاهنشاهی به آذربایجان بروم یک‌کده کثیری از بخش مخالف صنف قصاب آمدند پیش ما گفتند ما گوشت را کیلویی ۸ تومان حاضریم بفروشیم ولی اصراری هست که کیلویی ۱۰ تومان باشد و ۱۰ تومان بفروشیم اشکالات زیادی داشت بررسی که میشد موضوع جالب تر شد فردا نه پس فردا یکی از شاکیان در حالیکه گوشش را بسته بود آمد پیش من و گفت آقا این اجر تلاش ما است گوش مرا بریده‌اند جناب عباس میرزائی من در شما و جدان بیدار سراغ دارم گوشت قصاب را نه اینکه گوشمالی کرده باشند گوشش را بریدند گذاشتند کف دستش و این يك قصاب لایك مقدار پنبه گوش خود را آورد پیش بنده و بواش بواش دارد شعر میشود این قصاب لایك مقدار پنبه گوش خود را آورد پیش بنده (خنده)

نمایندگان) خنده برای يك دستکاری ادبی لازم است ولی برای اصل مسئله گریه هم کم است يك مورد دیگر من نمیدانم این موارد باید گفته شود بیانه شاهنشاه هر مملکت برای رسیدگی همه آلام دل سبزدگان بخوشم تبریز به آذربایجان تشریف فرما شدند همراه علیاحضرت رفوف علیاحضرت که ملکه رحمت است بصورت آیت رحمت در آذربایجان نزول اجلال فرمودند البته من به سبب روزنامه‌نگاری و به تبع از آن رویه ۲۲ ساله حرفهای خودم را يك مقداری سانسوری کنم ولی این مقدار در دنیا است که رحیم زهتاب فرد و کیل مجلس به اطلاع شما میرساند که فردای آن روزی که علیاحضرت همایونی مراجعت فرمودند نان تبریز را کیلویی يك قران گران کردند و آتھائی که شب فقط آذوقه شان پنج ، شش کیلوییان بود از مزد ۶ ، ۷ تومان ۶ ، ۷ ریال گرانتر خریدند این حرفها باید گفته شود گفتن این حرفها بصلاح آینده مملکت است تبریز استانی است که در آن کارهایی شده کارهایی که تکرار میکنم در سطح آرزوهای قرون است کارهایی که منحصر آمنتع از ثمرات و ابتکارات شخص اول مملکت علیاحضرت همایونی است کارخانه ماشین سازی هست در کنار ذوب آهن در تبریز ماشین سازی است ولی مسا باهیات حاکمه حرف میزنیم درباره تخلفات و ندادنم. کارهای هیأت حاکمه صحبت میکنیم شهر تبریز يك قصبه بسیار بزرگ است تو ذوق میزند شهر تبریز يك خرابه بزرگی است شرم آور است جایگاه آزاد مردان و آزادگان بصورت خرابه در آمده است دولت بما جواب بدهد ریز مساعادت و کمکهای بلاعوض را به این شهر در سال گذشته يك دینار حتی يك دینار مساعادت نشده به شهرداری و به خیلی از استانها خیلی کمک شده شهرداری تبریز ۶۲ میلیون بدهی دارد خرابی تبریز در گرو این بدهی است برای این بدهی چه اندیشیده‌اید همین بفکر سلیم هیأت حاکمه رسیده که در حال مسافرت به تهران میگویند ۵ تومان عوارض بده از طرفی در تمام جاهای دیگر شهرداریها ۱۰ ، ۱۵ تومان برای مردم خرج می‌کنند که آنها را شنگول و راضی نگهدارند اینجا جلوش را می‌گیرند و می‌گویند بابت عوارض مسافرت با هوا پیمای ۱۰ تومان پول بده ولی جالب این است

که اگر کسی گفت من نمیدهم قانوناً نمی‌تواند جلوش را بگیرند يك کار دل چرکین کنکی شده (دکتر المونی- آقای زهتاب فرد بر اساس قانون لغو عوارض دروازه‌ای بتمام شهرداریها کمک میشود) (دکتر عدل- اینطور نیست) جناب آقای نماینده محترم تبریز من دیروز از آنجا آمدم جناب آقای صادقی جناب آقای فضائی جناب آقای احتشامی، عزیز من جان دلم درست است سطح ما خیلی خیلی پائین است از بخش مخالف هستیم که حرف می‌زنیم اما يك جعل خبری باین مفتضحی که نمی‌کنیم من دیروز از آنجا آمده‌ام همراه دبیر کل بخش مخالف تابلوی بزرگی را زده بودند آنجا از رحیم زهتاب فرد ۵ تومان گرفتند میفرمائید حذف شد اما حذف نشده قصدم این نیست که حذف شده است یا نشده است مردم باین کارها تسلیم شده‌اند اعتراض ندارند آشکالاتی در همه جا هست ما هم هیچ ادعائی نداریم که اگر فردا حکومت بدست حزب مردم ایران افتاد بهشت برین میشود هیچ چنین چیزی نیست اگر بنا بود با يك بخشنامه اصلاح بشود خداوند متعال می‌توانست با فرستادن يك پیغمبر سرونه قضیه را هم بیاورد اما ۱۲۴ هزار پیغمبر آورده ما فقط نقد می‌کنیم می‌گوئیم اشتباهاتی خطاهائی را که می‌بینیم و دوستی می‌کنیم با دولت برخلاف کسانی که میگویند آقا فلانی بی ربط گفت می‌گویند زهتاب آمد اینجا صحبت کرد مقدار زیادی بی ربط گفت اما شما را بخدا تمام حرفهایش بی ربط بود حتی يك کلمه حرف حسابی نزد که شما در حزبتان در صفت اکثریت بچسبید و از دولت بخواید که آقا مابین حرفهای زهتاب يك چنین حرفهائی بود بجای اینکه آقای متین دوست بزرگوارمان بیابند اینجا بمن جواب بدهند. يك مطالبی عرض می‌کنم در مورد زمین در مورد مقاوله نامه بهداری و بیمه و فلان و فلان اگر دولت قبول دارد که غفلت شده بیابند اینجا اعتراف کنید و بگوئید رئیس دولت توجه نداشته از طرف وزیر مربوط توجه نشده هم اکنون دستور رسیدگی خواهد داد و در جلسه آینده باین موارد رسیدگی خواهد شد همین آقای دکتر موسوی آمد يك حرفی زد شما هم همه آنرا شنیدید

راستی از این همه صمیمیت راستی اینهمه اعتقاد حزبی نان تجلیل میکنم آیا می‌پرسید که آقای دکتر موسوی گفت که بیخ گوش يك ساختمان شخصی در بولوار يك ساختمان چند میلیون تومانی دولت هست که ۸۰۷ سال است رفته با آسمان ناتمام مانده و هیچ اقدامی درباره‌اش نمیشود آیا اگر این ثروت و سرمایه مال جناب متین بود حاضر بود سرمایه‌اش همینطور بلا استفاده در وسط زمین و آسمان بماند اینها را گفتیم و اگر هم در بیان ما يك اشتباهی شد بیابند اینجا آنقدر ما را بگوئید خدای نکرده پرونده‌سازی بکنند که با اصطلاح ما را بر روز سیاه ببندازید ولی جواب مردم را چه میدهید دکتر متین بگوئید من با حرف تو موافق نیستم.

اما جواب مردم را چه خواهند داد مردم اول جواب می‌خواهند بگوئید دکتر موسوی اینجا حرفهائی زد با همه این موافق نیستم ولی با این حرف که موافقم این حرفها را برای کی میزنم آقای دبیر کل حزب مردم يك روز مصاحبه کرد آن موقع من نبودم، چون من سابقه کارمندی دولت ندارم بررسی می‌کردم ولی در من اثر گذاشت در شنونده، خواننده بنده هم اثر میگذارد گفت هر سال یک‌کده کثیری را ردیف میکنند بعنوان آزمایش که از بین اینها می‌خواهند چند هزار کارمند انتخاب کنند ۱۵۰۰۰۰ نفر شرکت کرده از ۱۵۰۰۰۰ نفر ۷۰۰۰ نفر را انتخاب کردند و گفتند هر ار نفر رزرو، و به بقیه گفتند انشاء الله نوبت شما میرسد امسال با رزرو از نو روزی از نو دوباره این بساط را پهن کردند (دکتر المونی- هر سال امتحان میکنند چون يك دسته تازه از دانشگاه بیرون می‌آید) این چه حرفی است که میفرمائید مگر دسته قبلی را راضی کردید که این دسته جدید را راضی کنند؟ میگوئید حق تقدم مگر در اکثریت حق تقدم و تأخر معنی ندارد نمیدانم شاید مثالی که من زدم خیلی بخته نبود ولی میگوئید صد و پنجاه هزار نفر شرکت می‌کنند یک‌کده قبول میشوند و یک‌کده رزرو آن عده که قبول شده اند بخواید و آن عده‌ای را هم که رزرو هستند بعداً فکر دیگری برایشان بکنید (مهندس سهم‌الدینی- هر سال امتحان میکنند و در طول آن سال اگر احتیاج داشته باشند از آنها می‌آورند و

بقیه در سال بعد باز امتحان میدهند) والله بالله من از این دودلو حرف زدن خوشم نمیآید ولی این را میخواهم بفهمم که ۱۵۰۰۰۰ نفر شرکت کردند شما هزار نفر را برداشتید ۱۴۹ هزار نفر باقی میماند بازمی گوئید امسال یکعده و یک مقدار اضافه میشود آیا این درست است بیائید بگوئید منهای آنها بقیه بیایند امتحان بدهند این مطالب در مطبوعات منعکس میشود در روزنامه های اطلاعات - کیهان - خواندنیها همین مرد مبارز روزنامه راه مردم مال بخش مخالف اینهاستونهای انتقادی دارند و روزنامه هایی که نه وابسته بشما و نه وابسته بمادر آنها مطالبی عنوان میشود اینها را بیائید جواب بدهید اینها را نمینویسند فقط کاغذ سیاه کنند اینها درددل مردم است اینها را نادیده نگیرید این بصلاح ما نیست شما وقتی میرسید که کاری نشده ما منکر شده ها نیستیم کارهای شده در سطحی است که عرض کردم توجه دنیا را جلب کرده باور کنید من گاهی خجالت میکشم که در روزنامه راجع به شخص اول مملکت حرف بزنم گفت: رسید بمرتبته ای خواجه بسایه توحید که عین کفر بود لاله الا الله مسأله انقلاب سفید در مرحله ای از تکامل و درخشندگی است که بحث کردن در باب آن تقریباً تکرار مکرر است این دنیا تکان دهنده است این سیمای عوض کردن است این پوست و جلد انداختن يك ملت است يك مثالی را عرض میکنم که بدانید انقلاب سفید یعنی چه؟ انقلاب در این خلاصه نمیشود که عایدات زارع تومانی دوریال برود بالا یا زارع صاحب زمینی بشود که در آن زراعت میکرد (اکبر مسعودی - همین مهمترین مطلب است) اما انقلاب سفید یعنی چه؟ در آذربایجان البته اسم نمیاورم شما هم در سایر استانها نظریات این خانواده ها را دارید قبل از انقلاب را می گویم توجه بفرمائید انقلاب دارد پیاده میشود ثمراتش را ملاحظه بفرمائید قبل از این انقلاب از این خانواده ای که از خانواده خیلی محترمی نیز هست چون میدانید در آذربایجان باصطلاح فتودال هاهم خیلی متجاوز نبودند برویم سراصل موضوع از همان خانواده محترم از همان خانواده منتسب بمالکیت و فتودالیزم دو نماینده مجلس داشتیم از همان خانواده وابسته به فتودالیزم

یک نفر روزنامه نگار داشتیم از همان خانواده که مورد احترام ماست عضوانجم شهرداشتیم از همان خانواده استاد دانشگاه و قاضی و روحانی داشتیم یعنی اگر احیاناً از این خانواده میخواست شکایت بداد گستری ببرد و برود میشد بایکی از عوامل شناخته شده و سیمای اول یکی از این خانواده ها ناچار بداد گستری مراجعه نمیکرد و اگر میخواست در مجلس شورای ملی پیشنهادی به نفع طبقه خویش بدهد بوسیله آن مهره طبیعی بود که تحقق این آرزو را باید بخواب بیهیند اگر يك کاری میخواست در شهر انجام بدهد در انجمن شهر با این خانواده روبرو میشد حتی اگر میخواست خمس و زکوة بدهد تقریباً راه بسته بود باید روحانی را میدید حالا در موقع آزادی این برداشتهای کهنه فروریخته امروز زارع ایرانی سر بلند است اما هیئت حاکمه باید جانیشینی خوب و مصلح آن مالک دیروزی باشد این نکته حساسی است مالک دیروز مظالمی داشت عوارضی داشت فشارهایی داشت خود کامگی هایی داشت اما وقتی منافع خودش به خطر می افتاد مقدم میشد در کمک زارع برای حفظ مصالح و منافع خودش اگر خشکسالی میشد بلافاصله بزراع بدر میداد اگر سبلی میآمد توجه بفرمائید اینها مشکلات حوزه انتخابیه شما هم هست اگر سبلی میآمد مقدم میشد در لارویی و باز کردن قنات سرمایه گذاری میکرد و حتی زارع وجه دستی میداد حالا کاری نداریم که سیصد تومان میداد و پانصد تومان رسید میگرفت ولی بهر حال برای اینکه زارع روانه شهر شود زراعت را ول نکند بحفظ آن زارع که در حداقل زندگی بسر میرود علاقمند بود امروز دولت بخصوص باید با اصلاحات کشاورزی توجه کند چون آن وظایف سنگین اکنون بعهد دولت است اگر خدای نکرده در این موقع لغزشی بشود بانقلاب ایران خیانت میشود (یک نفر از نمایندگان - لغزشی نمیشود) عرض کردم خدای نکرده امسال در گرمی و مغان خشکسالی بود و محصول بدست نیامد گفته شد مقدار بذریکه بزراعین داده شده تکافوی کشت و غذای آنها را نمیکند بگذارید بهمین میزان و مقدار لااقل در اینجا منعکس بشود شما طرحی ریختید بر نامه ای

ارائه فرمودید تری را در مقابل افکار عامه گذاشتید که منحصرأ طراحش و ابتکارش خودشان هستند انقلاب سفید ذوب آهن استیفای حقوق ایران از منابع نفتی اینها همه از ابتکارات شخص اول مملکت بود و هیچکس بهیچوجه حق ندارد این حسابهای اصلی را به نفع خودش بگذارد شما برنامه سوم در اختیارمان بود برنامه چهارم در اختیارتان بود بذوب آهن و اعتبارات آن اشاره ای نشده بود عواید قسمت اعظم برنامه چهارم اختصاص یافت بذوب آهن این طرح و این ابتکار منحصر بشخص اول مملکت است اگر بخواهید اینها را برخ ما بکشید باید بگویم که ملت فقط يك نظر را میشناسد طراح شاهنشاه و حامی این طراحها ملت ایران است شما امروز يك موفقیت استثنائی دارید دقت بفرمائید و وقت استثنائی بود چه استثنائی تقویت استثنائی باین ترتیب باید بدون استثنائی نیز بافکار عامه ارائه کنید اگر ما در بخش عامه معترضیم بخاطر این است که اعتبارات شما در سطحی است که این کارها جواب ده بافکار عمومی نیست اعتبارات ما اعتبارات استثنائی ما فرصت استثنائی حمایت استثنائی و پشتیبانی استثنائی دارید و هیچ بهانه ای نخواهید داشت وقتی در اینجا عنوان میشود قسمتی از ندانم کاریهای هیئت حاکمه آنها را قبول بفرمائید این بفتح شماس است این بزرگترین دوستی با شماس است شما در وزارت آموزش و پرورش ارقامی را ارائه فرمودید و مدعی شدید مثلاً در قسمت فنی و حرفه ای صد درصد تعداد را بالا برده اید بگذارید موضوع را باز گو کنم سال گذشته کلاس اول دانشکده حرفه ای پنجاه نفر شاگرد داشته امسال بکلاس دوم آمدند و کلاس اول پنجاه شاگرد پذیرفته و این میشود صد در صد این بان معنی نیست که شما بانها توجه استثنائی کرده اید چرا دیگر آموزش و پرورش امثال دکتر مجتهدیها، دکتر هشترودیها دکتر فاطمیها را نمیپرواند کمی تأمل بفرمائید به بیننده معلمین علوم پایه و اساس امروز زمینه شان خالی است اکثر این مدرسه عالی که باز می کنند فقط دوتا دبیرستان حرفه ای ملی باز کرده اند برای اینکه هزینه می خواهد سالیانه چهار هزار تومان هم پول میگیرند باید يك مقدار

برای وسایل فنی سرمایه گذاری کند و برای این کار البته پیشقدم کم است اما برای ادنیات و ترجمه و زبان و مدیریت زیاد است اینها را بساز می کنند ولی آن جا کوتاه میآیند همین جا بیخ گوش مجلس شورای ملی اوایل خیابان ژاله يك خانمی يك مدرسه ای در ده سال پیش که منظم بنام روزنامه نویس در آن مراسم شرکت کردم و علیا حضرت شهبانو افتخار دارند افتتاح فرمودند که هدیه داده بود به آموزش حرفه ای امسال همین پربروز از آنجارد میشدم دیدم تابلو را برداشته اند اسم آن را انستیتو تکنولوژی گذاشته و تاریخ تأسیس آن ۱۳۴۹ کاشی هست آن جا بروید به بیند ما تاکی صحنه سازی کنیم در باغ حسام السلطنه يك مدرسه حرفه ای داشتیم پانزده سال پیش در التزام اعلیحضرت همایون شاهنشاه افتتاح شد تابلو را برداشتند کردند انستیتو تکنولوژی اگر دلخوش هستید که عدد و رقم ردیف کنید باید بگویم که این گناه است گناه به نسل است گناه به انقلاب است گناه به شخص اول مملکت است گناه بر سالت و مأموریت این مجلس انقلابی است این ملاحظات باید خیلی خلاصه عنوان بشود ما از اساتید محترم دانشگاه در این جا زیاد داریم طبیعتاً با اساتدان دانشیاران حقوقی که در دانشگاه تهران از ۸۰۰ الی ۱۲۰۰ تومان است البته نه فولتایم با فولتایم تا ۵ هزار تومان حقوق میگیرد ولی در سایر دانشگاهها چند برابر این را میگیرد و این صحیح نیست این موجبات چند برابر این میدهند این موجبات دلسردی ایجاد می کند این تبعیض نیست؟ تبعیض در ادارات در ارجاع مقامات موجبات دلسردی را فراهم می کند اگر می بیند کارمندی بکارش دلگرمی ندارد باین دلیل است که تحرك برای او ایجاد نمی کنید، نامه ای دارم که راجع بمشله خیلی خیلی پیش پا افتاده ای است يك شخصی نوشته وزیر دستور کتبی دارند که بمأموری فلان مأموریت داده شود و برود بانجا مدیر کل مربوطه جواب داده اند، خوب وزیر چکار کند سازمان متأسفانه درست نیست نوشته چون ما کارمند کم داریم متأسفانه نمی توانیم بفرستیم یکماه و نیم بعد همان جناب مدیر کل يك نور چشمی دیگر را

به همان پست فرستاده این يك مثال پیش با افتاده است که اگر ما خواسته باشیم در این موارد صحبت بکنیم واقعاً باید هفت روز صحبت کنیم نه هفت ساعت این کارها موجبات دلسردی ایجاد نمی کند؟ بنده يك وقت مسافرت میکردم به آستان قدس در هوا یک آقایی سلام و علیک کرد و خودش را معرفی کرد و گفت که مدیر کل بهداری هستم بنده ایشان را نمی شناسم گفتیم چه عجب تهران تشریف داشتید گفتند آمدم از آقای دکتر خواهش کنیم بیایند مشهد يك سمتی داشته باشند بعد خودشان گفتند من با سی و چند سال سابقه حقوق ماهی دو هزار و خورده ای است ولی ایشان را با استفاده از طرح که من نمیدانم چیست با ماهی ۵۰۰ تومان استخدام کردم رئیس باسی سال سابقه دو هزار و خورده ای میگیرد آنوقت آن که زیر دست او کار می کند چهار هزار و خورده ای بالاخره يك روز این کارها باید سروسامان پیدا کند این جور در نمی آید این فرصت نمی دهد يك دانشگاهی تا به تحقیق بپردازد يك دانشگاهی دیگر نامه نوشته به مقام ریاست دانشگاه که از وجود من استفاده کنید ما اینجا هفت هشت نفریم در حالیکه این پست و این کار را می شود با دو نفر انجام داد، اینجا تحرک نیست دلسوزی نیست علاقه نیست برعکس موجبات دلسردی و توسری زدن و خفت هست يك سؤال دیگر دارم کداميك از شما بدون اینکه شناسائی قبلی باشد بنام يك مراجعه کننده می توانید يك نامه ای را در جیبتان بگذارید و تشریف ببرید يك اداره و با جناب مدیر کل و یار رئیس مربوطه بنام بکنفر مراجعه کننده در دلد کنید دیروز یکی از ناطقین بخش مخالف میگفت که انسان در آن اطاقها مجذوب و مرعوب میشود آدم وقتی وارد می شود مبلان و فرش و تابلو و میز و جمع برداشت طور است که آدم بیاد زار عین دیروز می افتد که وقتی میخواستند وارد خانه ارباب شوند نمی دانستند کفش را دم کوجه بگذارند یا دم در اطاق بگذارند یا در سالن بگذارند بهر حال خودش را گم میکرد حالا هم وقتی آدم وارد اطاق این مدیر کل ها میشود خدا شاهد است خود من چند لحظه خودم را گم میکنم که آقا این خیلی عالیجناب است آیا این صحیح است که برای مدیر کل حقوقی در حدود دو هزار و خورده ای تأمین بکنند ولی

يك اطاق مبلان چند ده هزار تومانی تحویل ایشان بدهد آیا فکر نمی کنید او وقتی این اطاق را ترک میکند و بنز نش می رود احساس حقارت نمیکند و ناچار است زندگی شخصی خودش را تطبیق بدهد با زندگی داخلی خود در دل خود میگوید این جور در نمی آید که بنده در اطاق کار روی فرش متری چند هزار تومانی قرار بگیرم ولی در منزل روی فرش متری سیصد تومانی این فراهم کردن موجبات انحراف بعضی از کارمندان است این صحیح نیست که ما برای این اطاق شیک يك مبلان عالی و يك تشکیلاتی بدهیم که وقتی امثال جناب ... اسم نمیاورم به آنها مراجعه میکند با صحنه هایی مواجه بشود که در کمیسیون عرایض عنوان شده چندی پیش رفته بودم به کلیبر این جناب آقای اهری که نمیدانم تشریف دارند یا خیر؟ و واقعاً فداکاری میکنند نسبت بحوزه انتخابیه شان توجه بفرمائید این را از بخش خصوصی عرض میکنم و از آقای کریم اهری حرف میزنم که واقعاً فداکاری میکند و تلاش می کند و آنچه سابقه کار در سازمان های دولتی داشت مصالحه کرد و حالا از هر جا جنگ میزند برای کلیبر و واقعاً فوق العاده فعالیت کرده بهر حال رفیم بدادگاه آنجا و دیدیم که فاقد میز و صندلی است اما در همان جاشعبه بانك کشاورزی میزهای مجللی داشت خواهید فرمود این تشکیلات تازه است و میزها هم تازه است اما میشود از همان سازمان ها هم دو تا میز هم باین ها بدهند و حیثیت دادگاه را هم حفظ کنند اینکه يك سازمانی دارای میز مفصل باشد و اداره ای برای استخدام يك مستخدم نیازمند باشد آیا صحیح است؟ البته در بحث متمم بودجه صحبت های زیادی که اکنون تدریجاً داریم وارد می شویم موضوعی که بیشتر از همه مورد توجه است تقویت دادگستری است هنوز که هنوز است اتکای مردم به دادگستری است خوشبختانه قضات شریف هستند و اکثریت قضات ما وارد و پاکدامن و پاک طینت هستند و باید موجبات تشویق آنها را فراهم کرد یکی از امکاناتی که باید فراهم کنیم این است که خودشان درباره امور مربوط به خودشان تصمیم بگیرند یعنی قوه اجرائیه ناظر بکار آنها آنقدر که در سایر سازمانهاست نباشد جناب وزیر دادگستری را ما به نیک

نفسی و سابقه طولانی می شناسیم اما ایشان جزو قوه اجرائیه هستند اینجا اشاره شد که جناب آقای طباطبائی یکی از دوستان ما قاضی بودند و حالا هم قاضی هستند حالا چرا يك مقدار بنده عرض می کنم که شاید در می ها هم خوششان نخواهد آمد متأسفانه ایشان حالا هم کارمند دولت هستند و این یکی از نقاط ضعف مجلس شورای ملی است که من از حزب اکثریت استمداد میکنم که چون عدد دزدست شمانت کاری نکنید که بگویند که مجلس سیمانی از سازمانهای دولتی است چرا این ادعا را می کند (دکتر علمی - مجلس سیمانی از طبقات مختلف است سیمانی از کارمندان دولت نیست) استاد محترم دانشگاه وقتی حرفی گفته میشود مؤخره ای هم همراه مقدمه هست يك چیزی بنظرم رسید که از شما اکثریت و صاحبان عدد استمداد میکنم يك کارمندی که دیروز قاضی بود امروز می آید بمجلس (دکتر علمی - چه عیبی دارد؟) آقا اجازة بدهید بنده حرفم را بزخم و شما اگر خدای نکرده اعضا بستان ضعیف است به سلامتی خودتان بیشتر توجه کنید بهر حال می آید چهار سال به مجلس گاهی بعضی از دوستان آن دوره که بودند ما را دعوت میکردند به شام می گفتیم برای چیست؟ میگفتند سوز است، سوز چه چیز؟ سوز این که فلان کس رتبه ۱۱ خودش را امروز گرفته من تعجب میکردم و کیل مجلس چطور رتبه ۱۱ گرفت می گفتند این وکیل که امروز در مجلس است قبلاً کارمند بوده و دوره مجلس جزو سنین خدمتش محسوب میشود از نظر رتبه لذا این چند سال جزو سنین خدمت او محسوب شده و این رتبه آن است این را من معتقدم که يك طرح انقلابی برایش بیاورید البته شاید يك پیشنهاد ناپخته ای است نماینده ای که علاقمند بشرکت در انتخابات است اگر کارمند دولت است سه ماه یا ۶ ماه مانده بانتخابات از پستش استعفا بدهد و اگر وکیل شد و آمد بمجلس و مجلس تمام شد و خواست برگردد اگر دولت احتیاج داشت با همان رتبه و اگر احتیاج نداشت بایک رتبه کمتر برگردد این موضوع همین حالا از ذهنم گذشت و این نظری بود چون گفتیم دولت ما قبلاً قاضی بوده و حالا نیست این را برای مثال بیان کردم البته این نظری بود و هر نظر در مرحله اول يك شکلی دارد شاید

شما آن را پخته تر فرمائید و این کمکی به تأمین دموکراسی است راجع ناراضی عمومی است راجع بخش خصوصی است در بخش شما نیست در بخش خصوصی گاهی میشود چند مورد را برضتان میرسانم چون مثل اینکه ۱۲۵ نفر بیشتر نیستیم و حتماً ۱۵۰ نفر در طرح بودجه تشریف ندارند میشود ریسک کرد و گفت بعد از نیم ساعت که جلسه تمام میشود بنده پیشنهاد میکنم تشریف بیاورید اکثر آنکه ماشین دارید بنده راهم سوار می کنید میرویم به خیابان تخت جمشید در خیابان تخت جمشید چهارراه فشر آباد نشاء غریبی چهارراه يك ساختمان هفت طبقه را می بینید که يك متریونیم آمده و برپاده و در آن گرفته در پیش چشم همه در آن نزدیکها رستورانی هست من همه ۱۲۵ نفر را دعوت میکنم يك شرط برای نهار در آنجا که وقتی دیدید شما از اکثریت از آقای شهردار بپرسید بچه جرأتی پیش چشم چهار و پنج میایون تهرانی اجازة دادید يك مالک که بحقوق شهرداری و ملت و زمین ملت تجاوز کند (اسلامی نیا - بالکن آمده جلو یا خود ساختمان؟) بالکن خیر من واقعاً از این تعصب در حیرتم آقامن گفتیم بیا و نهارت را بخور و بین (دکتر برزگر - اینطور نیست آقا وقتی پروانه ساختمان گرفت من معاون شهرداری بودم) پس دم خروس معلوم شد (اسلامی نیا - آقای زهتاب باین ترتیب نهار را میدهد یا نمیدهد؟) خیلی مستند ایشان فرمودند خدمت جناب عالی عرض میکنم نمیدانم بعنوان معاون شهرداری خطاب کنم یا نماینده محترم مجلس و همکار عزیز و از جنم بهر حال بنام يك صاحب نظر بخاطر تان هست البته همه ما بخاطر مان هست البته من که نه خانه شخصی دارم نه زمین دارم يك خانه کوچکی هم داشتم که به اشارت ریاست مجلس از دستم رفت خدا سلامتشان دازد و سه سال و خورده ای است که چوبش را دارم میخورم اما شما صاحبان زمین و خانه در تهران خاطر تان هست و در روز نامه ها خوانده اید که شهردار راجع به تعریفی کوچه ها اطلاعیه ای داد که عرض کوچه ها باید ۱۰ متر ۲۰ متر نمیدانم چقدر باشد بعضی افراد / ۳۰۰ متر بعضی / ۲۵۰ متر و بعضی / ۴۰۰

مترزمین داشتند میخواستند خانه بسازند برای اجاره یا برای نشیمن شخصی ناچار به امر به شهردار محترم تهران عقب نشستند چاره‌ای نداشتند آدمی که ۲۵۰ مترزمین دارد باید ناچار ساختمان را در ۱۶۰ متربالا بسرد از این ماجرا چندماه گذشت جناب شهردار خیلی ساده با دوسطر اطلاعیه در سطر ۱۵ - ۱۶ تومسان درروز نامه شریفه کثیره اعلام فرمودند که از این مطلب صرفنظر کردیم حالا این به چه قیمت برای مردم و موکلین ۵۷۰ هزار نفری شما تمام شدو چه حرفها بیخ گوش گفته شدو چه عقده‌هایی بوجود آورد و چه خانه‌هایی را خراب کرد من نمیدانم گفته دوباره می‌توانید بیابید جلو یعنی بعد از آنکه ۲۵۰ متر ساختمان شده ۱۶۰ متر باید دیوارش را خراب کند و دوباره اطاقش را تعویض کند آقامگر مملکت ارث پدریک شخص بخصوص است که همینطور هر چه از دلش و از افکار علیش گذشت میتواند پیاده کند و دستور بدهند؟ کی اینها را تو بیخ می‌کند؟ و وجه مقامی مسئول است؟ کسی می‌پرسد که چرا این دستور را دادی؟ این حرف حرف حوزه انتخابیه همین آقای سعادت فرد ۵۷۰۰۰۰ نفری است که دارند تشریف می‌برند و جدانشان بیدار شد این صفوف فشرده اصناف پشتیبان ایشانند بعضی‌ها هم بایشان مراجعه می‌کنند این حرفها که ما میزنیم يك مقدار ممکن است اثر بگذارد يك مقدار عکس العمل نشان بدهند ولی بعد در این راهروها يك عده خواهند گفت تند رفته‌ای بعضی‌ها خواهند گفت صلاحیت نبود بعضی‌ها هم بطوریکه هم مسلکش متوجه نشود بیخ گوش آدم خواهند گفت احسن و اقعاً خیلی خوب صحبت کرده‌ای لازم بود، اما تکلیف مردم چیست؟ و اقعاً مجلس برای اینست که حداقل در مسائل باین سطح که من از بخش مخالف در سطح ۶۰۰ رأی حرف میزنم بله ما بخش هستیم این بخش يك معنایش تحقیر کلمه است دادگاه بخش داریم درست است که ما کوچولو هستیم ما نمیتوانیم خود را بر بزرگ کنیم اگر جنابعالی هم بفرمائید ملت پشتیبانمان است من قبول نخواهم کرد اما پشتیبان شما که هست اینها گوشه‌ای از درد است اگر فرضی بود

و حوصله داشتید و عمری بساقی ماند بهرحال يك فرد منضبط حزبی هستم در بودجه يك مقدار برده‌ها را بیشتر بالا میزنیم اگر ببیند این وظیفه را بدهند من این را از حالا اعلام می‌کنم ما اینجا در حاشیه دردها حرف میزنیم بکجا خواهد رسید این کارها؟ کی باید باین مسائل برسد؟ کی مسئول است؟ اینهمه معاونین وزارتخانه‌ها اینجا تشریف دارند کدماشان اول صبح بحضور جناب وزیر شرفیاب می‌شود و عرض می‌کنم که جناب وزیر درباره وزارتخانه ما از بازرسی شاهنشاهی این مطلب در روزنامه‌های روز این مطلب در کمیسیون عریض این مطلب و در بخش خصوصی مجلس شورای ملی این مطلب رسیده و ما تحقیق کرده‌ایم و اوقات شریف جناب وزیر قبل از اینکه قهوه ترکشان را میل بفرمایند تلخ بفرمایند و بگویند آقای وزیر ما بنام معاون وزارتخانه اخلاقاً صبه‌بیت و همکاری داریم ولی وظیفه داریم بگوئیم این مورد اعتراض و حرف مردم وارد است در جاهای دیگر میدانید چطور کار می‌شود؟ جناب دکتر مرشد سابقه دارند يك مؤسسه‌ای از امریکا ابتدا بساکن يك کاغذ بوزارت بهداشتی ایران نوشته که دستگاه عدالت امریکا ابتدا بساکن متوجه شده که چند مؤسسه داروئی در قیمت گذاری و در حجم دارو مواد ترکیبی مرتکب تخلف شده‌اند دستگاه قضائی دقت بفرمائید ابتدا بساکن بدون اینکه شخص شکایت کند دادستان رأساً اقدام کرده و آن دو مؤسسه بهداشتی و داروئی را بچند میلیون دلار محکوم کرده است و چون ما بررسی کردیم دیدیم یکی از خریداران ایران است زرنگی و کیل دادگستری را ببینید کاربایی یعنی این میگوید ما دفاترشان را ملاحظه کردیم دیدیم ۵ میلیون دلار ایران در خرید این دارو متضرر شده‌است لذا ما از شما میخواهیم قراردادای با ما تنظیم کنید که ما در اینجا از حقوق شما دفاع کنیم. آنها ابتدا بساکن اقدام می‌کنند و بعد افکار عامه را روشن میسازند توجه بفرمائید که آقا که دستش را هو نکرده آن دادستان از بخش مخالف يك خبری بگوشش خورده و بکروز يك آقای که مورد احترام و قبول آن آقای دادستان بوده زیر گوش دادستان گفته يك چنین تخلف هست این دواهایی که برمی‌کنند توی شیشه باید مثلا سه میلی گرم

باشد چند میلی گرم کمتر است و این نتیجه می‌شود که چند میلیون تومان ابتدا بساکن کارخانه را جریمه می‌کند و برای اینکه با افکار عامه و بخش مخالف جواب قانع کننده‌ای بدهند پرونده را سریعاً تعقیب میکنند و او را محکوم میکنند و افکار عامه را روشن میسازند و يك وکیل هم خواستم از این نمذ کلاهی نصیص بشود يك کاغذ باینجا نوشته اقدام شده یا نشده نمیدانم اما در اینجا گاهی بخش مخالف يك حرفهائی میزند در مطبوعات و از پشت تریبون راست است که يك خرده ملاحظه میکنند و می‌گویند بنام مفتتری تعقیب می‌کنند و کار هم که بدادگستری کشید بهتر این خواهد بود که از اصل قضیه صرفنظر کنیم اما در آنجا رأساً اقدام می‌شده در اینجا هم بعضی وقتها بعضی حرفها بگوش آدم میخورد بنده نه پرونده‌اش را خوانده‌ام و نه ذینفع هستم و نه علاقه دارم اما راجع به زمین‌های جلالیه اشاراتی بود تفاوت معامله‌اش به آدمی که ۱۰ هزار متر دادند ۱۰ هزار تا ۲۰۰ تومان می‌شود ۲ میلیون تومان (حی- حساب درست است؟) اصل مسأله درست است یا حساب؟ اصل مسأله غلط است؟ جناب آقای حی فرمودند نه يك چنین حرفی سرزبانهاست و امسال در نماز ندران صحبتهائی بود که میدانم این مقدار سواد ابتدائی و معلومات عمومی دارم اما خدا شاهد است مکرر از مردم شنیدم که متأسفانه افکار عامه شده بود که می‌گفتند علت اینکه امسال باران نمی‌آید بخاطر اینست که همه درختها را زده‌اند و بصورت دیله در آوردند و زمینهای ۸ ریال را در بورس ۵۰ تومان و ۴۰ تومان چون بخش مخالف دیوارش کوتاه است با احتیاط می‌گویم لا اقل متری ۲۰ تومان فروخته‌اند چنین حرفهائی هست چه ضرر دارد زست انقلابی از طرف دولت انقلابی مطبوع است چه اشکال دارد؟ آقا شاه مملکت وقتی ملاحظه فرمودند در ۱۳۲۹ اموال شخصی و املاک شخصی خود را خواستند ب مردم و زار عین ببخشند در همین مجلس بر علیه شاهنشاه در همان دوره از طرف شاه پرستان حرفه‌ای و عده‌ای از فتودالها صف آرائی شد و آن لایحه اصلاحات ارضی در همین مجلس بصورتی درآمد که شاهنشاه مملکت را به تأمل واداشت و نتیجه آن همین شد که ارائه فرمودند انقلاب ایران و اصول انقلابی را حزب

دولتی در چنین وضع استثنائی و در چنین حمایت استثنائی و برخوردار از چنین بودجه استثنائی است چه ضرر دارد شخصاً يك زست انقلابی نشان بدهد و بگوید که خلاف بود کاری که وزیر من کرده بود من را فریب داده بود من مفتون برنامه‌های نویدی مشعشع روی کاغذ شده بودم و حالا می‌بینم همه دادوستد شده این مسأله زمین دولتی يك بحثی است شما زمین را میدهید تعهد بگیرید که این زمین را بشما رحیم زنتاب فرد نمیدهیم البته بنده نمیخواهم چون من تا آخر عمر اجاره نشین هستم اما اگر روزگاری دادید بخوانده من بدهید من حق فروش نداشته باشم افلاتا دهسال شما زمین را میدهید در قیطر به ۴ تومان و من میفروشم به ۷۰۰ تومان و میروم زمین متری ۲۰۰ تومان میخرم شما جنگل دادید ابطال کنید اگر فروش شده اگر این طرح‌ها پیاده نشده اگر رفتید دیدید گوجه فرنگی هم کاشته‌اند حرفی ندارم چون گفته شهرداری مالیات میگیرید برای اینکه زمینها را در کریمخان زند بگوئیم بایر نیست حتی گوجه فرنگی که نمیدانم چند ماه بعد محصول میدهد نکاشتنده که بگویند گوجه فرنگی داریم زمینیکه متری ۶۰ تومان قیمت دارد دارند گوجه فرنگی میکارند میگویند ضرر را از هر کجا بگیرید نفع است این خدمت شما است این صداقت به اعلیحضرت همایون است این از مظاهر برجسته انقلاب است که شاید بگوید اشتباه کردم اگر بنده را توجه دادید يك اشتباه چه ضرری دارد که من بیابم کسب حیثیت بکنم بگویم خانم صفی‌نیا من در ۱۵ سال پیش در اراده آذربایجان بمؤسسه آبرومند فرهنگی شما تحت تأثیر يك فردی يك مطلب بی‌ربط نوشته بودیم که هنوز هم که هنوز است بنده زنتاب فرد که نویسنده آن خیر نابخشنه هستم بخدا هنوز شرمندهم از آن خیر که مربوط به ۱۰ - ۱۵ سال پیش است من ایشان را هیچوقت ندیدم و نمی‌شناسم ولی من در عذاب وجدانی اینکار هستم این گناه نیست که ما برویم در شرفیابها همه را رفته و سفته تحویل بدهیم این خلاف نیست که ما برویم خلاف گزارش بدهیم و تقاضای مدال و نشانهای بکنیم که متأسفانه افکار عامه به بعضی از

آن افراد با دید تردید نگاه میکنند من در روزهاییکه مجاهدت و مبارزه قیمت داشت سرباز شاهنشاه هم آن روز من مبارزه میکردم اما چون هیئت حاکمه وقت هیئت حاکمه فتودالیزم و وابسته به فتودالیزم بود آنروز نه از ۲۱ آذر نشان گرفتم نه از ۲۸ مرداد مدال گرفتم امروز هم که شما حاکم هستید من گاهی در صفی که افتخار شرفیابی پیدا میکنم خودم را آن پشت قائم میکنم که مبادا گفته بشود که این شخص یاغی است که نه نشان و نه مدال هیچ ندارد این نشان و مدالها در اختیار شما است البته برای بعضیها بآنها که نشان و مدال میدهند حساب شده است ولی گاهی سراغ داریم مگر آن دفعه در موقع انتخابات حزب هم سلیک تان مگر بر نخورده بود در توی شما شرکت واحد شرکت واحد را که جزو گروه وارد کرده بودید (دکتر علوم) شرکت واحد قانون را در باره اش اجرا کردید چه اشکالی دارد؟ آن روزی که او را به صفتان وارد کردید آن روزی که شما ایشان را جزو گروه حزبی در تهران کاندیدای حزبی کردید با مطالعه قبلی بود بایک بیان ۴ ساعته زنتاب فرد که نمیشود اعتقاد پیدا کرد (حیدر صائی) - بچه آدم هم ناخلف میشود) صد درصد عرض میکنم که هنوز پرونده ناخلفها بسته نشده بخش خصوصی بشما گاهی مستقیم و غیر مستقیم این ناخلفها نشان میدهد که کلاه سرتان نرود چطور شد ناخلف را متوجه شدید؟ خوشبختانه یک مقدارش از طرف بخش خصوصی بود که از خواب بیدارتان کرد و گفت از خواب تایداری فاصله زیاد است شما که قطعاً بحساب افراد و بحساب نفرات شرکت واحد مصلحت اندیشی نکرده بودید که فلانی را میآورید تصور میکردید ایشان مقام منبعی را در افکار عامه دارد ایشان را سلامت میشناختید داخل صفتان کردید خدا یارتان بود که خوشبختانه از بخش خصوصی بگوشتان خوردن باب است و صله ناچور است بعضیها وصله ناچورند و بنظر نماینده شما هستید آقای مهندس صائی که بتقوی و طهارت و سلامت نفس میخواهید اینجا خدمت کنید بعضیها که اینجامیآیند بر میخورند میدانید برای چه هنوز هم اعتقاد دارند که:

چو آئی در صف آلودگان پرهیز کمتر کن
در اینجا موهبت هر کس بقداز گشته دارد
در اینجا آمدند دیگر غارت کرده بردهم مسلک شده بود همه را فریب داده بود، هم از ایران و انقلاب شاهنشاه میزد زدود زدید و خوشبختانه دولت جناب هویدا بایبدری مچ دستش را نمیخواهم بگویم بموقع ولی بهر حال گرفت مایک «ما که نمیشود گفت» نمیدانم چقدر میشود گفت من یک پیشگوئی میکنم در دل خودم یک پیشگوئی میکنم نه خیلی دور از این شرکتهاست که میسازید و بعضی میسازند که نتیجه اش این میشود که ۴ میلیارد و خرده ای میلیون بودجه بسیار از این بررسی و رسیدگی دقیق شما که منحصرراً تقریباً این قسمت دیگر از وظایف اساسی مجلس است و برای همین انتخاب شده اید بل لطایف الحیل و بناهایی سازمانهای انتفاعی و شرکتهای سهامی و از این چیزها در میآورند و حساب و کتابی در هیچ جانیست و دیده نمیشود بزودی از بخش مخالف یعنی حزب مردم شنیده ام و شما هم گوشزد میکنم که پرونده هائی خواهیم داشت و خواهید داشت که امروز متأسفانه آنها هم بر خورده اند فقط بخاطر اینکه رقمهای درشت حقوق بآنها تعلق بگیرد در همین مجلس یادتان هست منم خواندم از طرف یک بخش مخالف بان ایرانیستها که من گناه آنها را گناه افراط در وطن پرستی میدانم بخصوص به آقای دکتر عاملی که خیلی پایشان احترام فوق العاده ای قائلم عنوان شد آمدند از عدد کمک خواستند به عدد پنهاننده شدند گفتند بیایند موافقت بفرمائید که هیچ مدیر مؤسسه ای لااقل از نخست وزیر بیشتر حقوق نگیرد متأسفانه در همین مجلس با این پیشنهاد موافقت نشد چون در خیلی از بخشهای خصوصی و شرکتهای دولتی اصطلاحش را حفظ نکرده ام مدیر عامل یا چیز دیگر بیش از نخست وزیر مملکت حقوق میگیرد بعد از خانم این جلسه شما در حزب این کلمه را از خود را بنده از شما یاد گرفته ام از شما گروه مترقی روی گفته های بخش مخالف چکی معامله نکنید همه را نگویند بی ربط گفته شاید دوسه مورد مستدل باشد که بررسی بفرمائید آنروز اقلیت گفت نپذیرفتید امروز اقلیت گفت بپذیریم و این را قبول کنیم که لااقل در بخشهای انتفاعی که بوجود

میآورد از نخست وزیر مملکت بیشتر حقوق نگیرند و از آقای دکتر عاملی سخنی پیش آمد بد نیست چون آن حرفها در من اثر گذاشت در افکار عامه حرفهای شما اثر میگذارد من تحت تأثیرم تحت تأثیر پیشنهاد ایشان بگروزمیدانم بچه مناسبی بود که ایشان پیشنهاد داده اند که آقا شما این طرح نوسازی را نبرید در عباس آباد پیاده کنید ببرید در مناطق محکومه تهران مثل عودلاجان پیاده کنید که هم از درد سربک خرابه بزرگ و بک تعفن گاه و بک ساختمانهای مخروبه نجات پیدا کنید و هم از این گل و گشاد بودن وسیع و بی حساب و کتاب بودن تهران جلوگیری بشود بصورت دیگر چون ایشان گفت ولش کنید ولی بصورت منطقی تردیدگری را انتخاب بفرمائید که حداقل ۷۰٪ وجه آن قانع بشود بک وقت در همین مجلس موافق و مخالف سیمای دیگری داشتند امروز آقایان مخالف و موافق سیمای دیروز را ندارد این صحیح نیست که مخالف هر مطلبی را عنوان کرد اینجا او را تخطئه کنیم در دوره ۱۴ مرحوم فیروز آبادی تقاضای یک ماه مرخصی کرده بود در آئین نامه آنروز باید اکثریت بآید میگرد مرخصی پیشنهادی آقای فیروز آبادی خدا رحمتش کند به مجلس آمد عنوان شد من حرفین بیگانه پرستان اهلی با اینگونه امر که اولاً یک متولی متنفذ مجلس برای چند روز مجلس را خالی میکند بظاهر تراکت و همکاری ایجاد میکند امر امر مرخصی است موافقت میکنند بلند میشوند و مرحوم فیروز آبادی وقتیکه دید آن اجنبی های اهلی بسا این نظر موافقت دارند خودش با پیشنهاد خودش مخالفت کرد وقتی علت را پرسیدند گفت دلیل دارم هر جا اینها مخالف باشند من موافقم و هر جا که موافق باشند من مخالفم بگروزم اکثریت و اقلیت در مملکت ما چنین برخوردی داشتند ولی امروز شما و ما هر دو زائیده انقلاب هستیم (صحیح است) امروز اشاره کردم وقتیکه سعید وزیری حرف میزد من از آنجا حواسم جمع میشود که از مطالب او بیشتر استفاده کنم و بینم چه پیشنهاد تازه دارد در راه بیشتر پیاده کردن و بهتر پیاده کردن انقلاب (احسن) امروز دیگر صحیح نیست چنانچه آقای دکتر متین بعد از من البته فردا را می گویم چون امروز گمان نمیکنم که نوبت بایشان برسد فردا که آمدند صحبت فرمودند من با تمام صحتهای

ایشان مخالفت کنم در آنجائیکه صحیح باشد بنده موافقم و معنائی ندارد که مخالفت کنم و اگر حرفی زدند و من به آن معتقد بودم یقیناً تعریف خواهم کرد چون دکانداری و عوام فریبی وصف آرائی و صحنه سازی برای همیشه محکوم است (یک نفر از نمایندگان - قربان ساعت یک است مثل اینکه وقت تمام است) امر امر ریاست است تا هر موقع که بفرمایند در خدمتشان هستم و هر موقع بفرمایند رفع مزاحمت خواهم کرد چند نفر هم یاد داشت فرستاده اند که نهاری که دعوت کرده اید با اعمال شاقه نباشد قبول میکنم...

رئیس - آقای زنتاب فردا از صحبت شما زیاد مانده است؟

زنتاب فرد - فکر میکنم دوسه ساعت دیگر مانده باشد.

رئیس - پس اجازه بفرمائید بقیه به جلسه بعد موکول گردد.

۳ - تصویب صورت جلسه صبح یکشنبه ۲۸ آذرماه
رئیس - صورت جلسه صبح یکشنبه خدمت خانها و آقایان توزیع شده نسبت بآن نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه صبح یکشنبه بیست و هشتم آذرماه تصویب میشود.

۴ - تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای تاجبخش معاون وزارت امور خارجه
رئیس - آقای تاجبخش بفرمائید.

تاجبخش (معاون وزارت امور خارجه) - با کسب اجازه از مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی لایحه ای است درباره سهمیه ایران در مؤسسه آسیائی آمار که برای بررسی و تصویب تقدیم میشود.

رئیس - لایحه به کمیسیون های مربوط ارجاع میشود.
۵ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانم ها و آقایان جلسه صبح امروز را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۴ بعد از ظهر امروز موکول میشود دستور گزارش یک شوری متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور میباشد.

(یک ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی